

آقای امیرزاهد شاهاب - بنده می بینم که امروز در مجلس طرز تازه ای پیدا شده است .

در يك موضوع از دو کمیسیون دو رایرت مختلف بمجلس آمده و ما بین مقبر کمیسیون معارف و کمیسیون فواید عامه هم اختلاف است .

یکی می گوید رایرت کمیسیون معارف باید مطرح شود دیگر یکی می گوید رایرت کمیسیون فواید عامه و بالاخره بین مقبر کمیسیون و این ترتیب لایحه و پیش نهاد را بنده هیچ نمی فهمم و گمان می کنم مجلس هم رای داده است کمیسیون فواید عامه و کمیسیون معارف هر دو در لایحه پیش نهادی دولت مطالعه کنند .

بمقتضای بنده خوبست این دو لایحه را مسترد بدارند و يك لایحه مشترک تنظیم نموده و تقدیم مجلس کنند که این اختلاف در بین باشد و مجلس هم در روی آن لایحه مذاکره کند و الا این طور که باشد که یک ساعت وقت مجلس صرف می شود که آیا باید این لایحه رای داد یا آن لایحه و بالاخره وقت تلف می شود و بهیچ جا هم نمی رسد .

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه) نصرت الدوله - بنده عرضی که می خواستم بکنم این بود که يك موقع خیلی مقتضی برای ما رسیده است که يك مشکلی که مدت ها است در مجلس تولید شده است رفع کنیم .

راه رفع مشکل هم این است که مطلب را بگذردی روشن تر و واضح تر و از نقطه نظر اساسی مذاکره کنیم و يك رای قاطعی درش بدهیم .

اقلب از این لایحه است که از طرف يك وزارتخانه پیشنهاد میشود و بنسبیت اینکه يك قسمت راجع به استخدام خارجی است کمیسیون خارج باید در آن قسمت رای بدهد و بنسبیت اینکه تولید خرجی می کند کمیسیون بودجه در آن ذی ربط است و بنسبیت اینکه (مثل همین لایحه) که مربوط بیک نوشته می شود که اتصال آن با اداره کل صحیه است و وزارت معارف است و از طرف هم از طرف يك يك وزارتخانه مخصوصی پیشنهاد شده است .

چنانچه آقای وزیر فواید عامه میفرمایند رفع آفات حیوانات از وظایف آن وزارتخانه است باین مناسبت بکمیسیون فواید عامه و معارف هر دو باید رجوع شود بنابراین بمقتضای بنده باید تعیین تکلیف در این مورد و نظارش را حالا روشن کرد که این قبیل لایحه اساساً مربوط بکدام يك از کمیسیونهاست .

اگر ملاک وزارتخانه بگیریم مطلب سهل است .

یعنی بگوئیم از طرف هر وزارتخانه که امضاء شده است و بمجلس آمده است باید کمیسیون مربوط به آن وزارتخانه کمیسیون اصلی باشد و مواد را تنظیم نماید در سایر قسمت ها هم اگر اتخاذ نظر کمیسیون دیگری لازم است بشود .

چنانچه در همین مورد نظر کمیسیون خارج بودجه هم اتخاذ شده است ولی مواد آن لایحه که مورد رای واقع می شود مال کمیسیون مربوط به آن وزارتخانه باشد و اگر املاک را مقبر از وزارتخانه که پیشنهاد کرده است بگیریم باید تشخیص شود مطالب آن چیست و کدام يك از آن مطالب مقدم است و الا همانطور که آقای امیرزاهد شاهاب گفتند که تقارر رایرت های مختلف می شود که ممکن است گاهی هم تا یک درجه با هم تناقض باشد .

اینهم صحیح نیست . در خارج مجلس وقتی که این لایحه بکمیسیون ارجاع شده بود این مسئله ملاک گرفته شد و مخصوصاً خدمت آقای رئیس بر سر رسیده و کسب تکلیف شد و گفته شد که کمیسیون خارج قطعیاً نسبت به ملیت رایرت بدهد ولی بنده می بینم که کمیسیونهای دیگر هم بیک وجه مخصوصی برای خودشان اتخاذ کرده اند .

بنده تصور می کنم که اگر امروز در مجلس پیشنهاد شود و مجلس رای بدهد که ملاک را باید وزارتخانه قرار داد یعنی هر وزیري که لایحه را امضاء کرده است کمیسیون مربوط به آن وزارتخانه باید مواد اصلی را تنظیم نماید بهتر است تا اینکه ما يك مذاکره ای بکنیم و لایحه را فعلاً از دستور خارج کنیم و برویم بران و در آن صورت بازیدن رای قطعی مجلس هیچ چیز صورت قانونی پیدا نمی کنند و حالا بنده این پیشنهاد را می کنم که تکلیف بدهاروش و معلوم باشد که ماخذ وزارتخانه باشد یا اگر ملاک دیگری بهتر است بفرمایند و الا بنده این پیشنهاد را می کنم و آقایان هم قبول کنند که بعد از این تکلیف معلوم باشد که ماخذ وزارتخانه باشد .

این راهم عرض کنم گوید در دوره چهارم سابق اینطور بود . اگر چه بطور قطع نمی توانم عرض کنم ولی در دوره چهارم اینطور بنظر می آید (که همیشه کمیسیون بودجه را اصل قرار می دادند و مواد را کمیسیون بودجه تنظیم میکرد .

این هم يك رویه ای است ممکن است همین ترتیب را آقایان رای بدهند مخیر کمیسیون معارف - بنده می خواستم عرض کنم که خوب است تصمیبات قانونی و نظامنامه را در غیر این این موضوع اتخاذ کنیم .

آقایان فراموش فرموده اند که گاو مبری امسال چه صدماتی بسببک وارد آورد و از طرف دولت و نمایندگان محترم هم در این

مجلس بگوئیم از طرف هر وزارتخانه که امضاء شده است و بمجلس آمده است باید کمیسیون مربوط به آن وزارتخانه کمیسیون اصلی باشد و مواد را تنظیم نماید در سایر قسمت ها هم اگر اتخاذ نظر کمیسیون دیگری لازم است بشود .

خصوصاً نهایت دلسوزی شده و باید تشکر کرد که وزارت فواید عامه کوشش کرد و يك لایحه تقدیم مجلس کرد و در مجلس گفته شد که به کمیسیون معارف هم باید بروم کمیسیون معارف هم برای اینکه مربوط بامور صحی است می بایستی متفلاً خودش رایرت بدهد و برای اینکه این مسئله عموم نماند و برای اینکه زودتر بمجلس بیاید از این جهت مذاکرات و اختلاف نظر را در کمیسیون معارف فواید عامه کنار گذاشتیم که این لایحه زودتر باید بمجلس تصویب شود زودتر این مرض سختی که زراعت ایران را هفت انداخته است از بین برود آن وقت ممکن است يك طرحی حضرت والا و دیگران پیشنهاد کنند کمیسیون نظامنامه داخلی هم هست با انجام راجعه می شود و در مواد راجعه باین موضوع تصمیباتی گرفته شود آنوقت می آید بمجلس مطرح می شود .

بنده بنسبیت اینکه آقای وزیر فواید عامه ماده اول رایرت کمیسیون معارف را قبول کردند بیشتر بشود حق می دهم که رایرت کمیسیون معارف مطرح شود و امروز تمام شود .

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای امیرزاهد شاهاب آقایانی که تصویب میکنند بام فرمایند .

رئیس - تصویب شد . (عده قلبی قیام نمودند) پیشنهاد آقای یاسانی قرائت می شود .

(شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم رایرت کمیسیون معارف که جامع تر است مطرح شود یاسانی - مذاکراتی که حضرت والا فرمودند بمقتضای بنده صحیح است ولی حالاً بنده راجع باین لایحه این مذاکرات بشود البته کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه این مطالب را یادداشت می نماید و بالاخره درست می شود که بعداً این گونه مشکلات تولید نشود بعد هم ممکن است قید شود که بکدام کمیسیون باید برود و کدام اصلی هست و کدام فرعی .

ولی این دور ایست که بنده ملاحظه کردم می بینم رایرت کمیسیون معارف جامع تر است از این جهت معتقدم همان رایرت مطرح شود .

اگر يك چیزهای زیادی داشت آقایان رای نمی دهند و الا رایرت کمیسیون معارف شامل چیزهایی است که در رایرت کمیسیون فواید عامه هم هست .

رئیس - رای گرفته می شود پیشنهاد آقای یاسانی .

قلدین - بنده چون چند روز است مبتلا بزکام شده ام این است که حال طبیعی در بنده نیست و تصور می کنم این مرض عمومی باشد .

آقای وزیر فواید عامه اظهار می کنند که یکماده از خبر کمیسیون معارف و يك ماده هم از خبر کمیسیون عامه را قبول میکنم و در واقع پیشنهاد دولت می شود در این صورت دیگر این مذاکرات و تناقضات ما بین کمیسیون معارف و کمیسیون فواید عامه ضرورتی ندارد و بالاخره تولید اشکال میکند . بمقتضای بنده بایستی همان نظریه که وزیر فواید عالی اظهار کردند همان را مطرح کرد و آن پیش نهاد را که بنده مکرراً راجع به قسمتی است که آقای نصرت الدوله اظهار کردند . اگر موقعش هست عرض کنم .

رئیس - بلی مقصود همین بود . قلدین - حقیقتاً این ترتیب تولید اشکال و زحمت می کند ترتیب فعلی يك لایحه این است که همین قدر اندک مناسبتی با هر کمیسویی که داشت باید بهمان کمیسیون برود و این ترتیب هم برای کمیسیون ها هم برای مجلس و هم برای مقبرین تولید زحمت می کند بنده در اینجا پیشنهاد می کنم که سابقه مجلس یعنی مجلس چهارم و سوم و دوم که نسبت به لایحه قانونی مراعات می شد منظور شود .

يك قسمت در ادوار سابق هم بودند که لایحه قانونی که از طرف دولت تقدیم مجلس می شد اگر راجع بامور مالی و مخارج بود مطلقاً به کمیسیون بودجه اوجاه می شد و اگر راجع به استخدام خارجی بود از نقطه نظر تصدیق ملیت ارجاع بکمیسیون خارج میشد .

ولی کلبه لایحه مالی مربوط بکمیسیون بودجه و اگر لایحه قانونی ارتباط با مخارج و تصویبات مالی نداشته منحصراً به کمیسیون مربوط بامور کمیسیون فوق العاده که انتخاب میشد ارجاع می شد .

مناوایع مالیات ها یا جرح و تعدیل مالیات به کمیسیون قوانین مالیه میرفت و سایر کمیسیون ها نمی شدند باین جهت تصور کردم آن سابقه مجلس گذشته اگر معمول بشود گم زحمت تر و عملی تر بشود باین جهت پیش نهاد کردم که نسبت به لایحه قانونی همان سابقه مجلس گذشته و عملی که مجلس گذشته کرده اند منظور شود .

رئیس - ولی تکلیف این مطلب را ماده بیستم در نظامنامه معین کرده است .

ماده بیستم - شرح ذیل قرائت شد) ماده بیستم - مجلس همیشه می تواند رسیدگی لایحه و طرحهای قانونی را که در ماده (۱۹) و فقره ثانی ماده (۱۸)

ذکر شد به کمیسیون مخصوص دیگری رجوع نمایند .

ولی چنین کمیسیون مخصوص که مأمور رسیدگی لایحه مزبوره است فقط باید در کلبه لایحه راهبرتی بدهد بدون اینکه بتواند در باب جرح عقیده پیش نهاد کند .

در این صورت عقیده و رای کمیسیون بودجه باید هستند بدلائیل موجه بوده و طرح شده و ضمیمه برات کمیسیون مخصوص میشود .

مواردی که بموجب این نظامنامه فوری نامیده میشود از فواید عموم مستثنی است .

رئیس - از اینجا هم چه فهمیده میشود که این قبیل لایحه به کمیسیون بودجه رأساً راجعه نمی شود باید به کمیسیون خودش برود ولی راجع به جرح باید کمیسیون بودجه رایرت بدهد و ضمیمه بشود و رایرت کمیسیون مربوط بامور مخصوص صحیح است .

قلدین - پس تکلیف پیش نهاد بنده چیست؟

رئیس - حالا بنا شد رایرت کمیسیون معارف مطرح بشود . آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - وقتی که پیشنهاد بنده که رایرت کمیسیون معارف مطرح بشود قهراً باید رایرت کمیسیون فواید عامه مطرح شود .

اینکه مجلس تصویب می کند که دولت این کار را بکنند آن وقت به اختیار خود دولت باید واگذار کرد که دولت هر جا را از نقطه نظر تسریع در عمل و سهولت مصلحت دانست خودش آن کار را به اجرا واگذار کند .

وزیر فواید عامه - بیان آقای تدین همان بیاناتی است که خود بنده کردم و هیچ مانعی ندارد و بنده هم قبول می کنم و يك اصلاح عبارتی دیگر هم دارد که بجای انستیتو باستور باید (مؤسسه باستور) نوشته شود .

رئیس - آقای ملک الشعراء مخالفید که این قبیل لایحه به کمیسیون بودجه رأساً راجعه نمی شود باید به کمیسیون خودش برود ولی راجع به جرح باید کمیسیون بودجه رایرت بدهد و ضمیمه بشود و رایرت کمیسیون مربوط بامور مخصوص صحیح است .

قلدین - پس تکلیف پیش نهاد بنده چیست؟

رئیس - حالا بنا شد رایرت کمیسیون معارف مطرح بشود . آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - وقتی که پیشنهاد بنده که رایرت کمیسیون معارف مطرح بشود قهراً باید رایرت کمیسیون فواید عامه مطرح شود .

رئیس - تصویب شد . بنفورت این لایحه رای داده شده است باید يك شور شود .

ماده اول قرائت می شود . (شرح ذیل قرائت شد) ماده اول - بوزارت فلاح و تجارت و فواید عامه اجازه داده می شود که مؤسسه مخصوصی بنام (دفع آفات حیوانی و سرم سازی) در تحت نظارت انستیتو باستور تاسیس نماید .

فرمودند که اساساً بدولت اجازه بدهند يك قسمت از مشکلات این لایحه رفع شده خود آقای وزیر هم قبول کردند بنده هم از طرف کمیسیون قبول می کنم .

حالا اصل قضیه که مؤسسه باستور چه می کند عرض می کنم کار مؤسسه باستور عبارتست از سرم سازی و اکسن سازی و يك قسمت کارهای دیگر و هجائاً برای این که اینکار را توسعه بدهند يك اعتبار جدیدی باورده می شود که يك مؤسسه جدیدی درست بکنند .

برای اینکه جلو گیری از آفات حیوانی بشاید وواکسن درست کنند زیرا اگر نخواهد از بنده وارد کند خیلی گران تر تمام می شود . علاوه اغلب هم گفته و خرابستو بهر جهت در اینجا خود مؤسسه باستور تهیه می کنند و نزدیک به به جاهست و يك قسمت عمده از این حیوانات را از مرض نجات می دهد عملی ای حال کار او است .

و بالاخره پیشنهاد آقای تدین را که آقای وزیر قبول فرمودند و بنده هم موافقم که بدولت اجازه داده شود که دولت بهر وزارتخانه که صلاح دانست ارجاع می کند و بناظر دولت این کار انجام بگیرد و دیگر گمان می کنم محتاج توضیح و مذاکره نباشد .

وزیر فواید عامه - عرض می کنم برای این که بگذردی کمک شده باشد که سوء تفاهمی نشود بنده تقاضای کنم کلمه مؤسسه را تبدیل بشود بکمیسیون از این که شبهه شد معلوم است که مربوط بخود مؤسسه باستور است و این شبهه ایست از مؤسسه باستور است و کاردار یا از نقطه نظر سرمی است که باید تهیه شود از برای این که ضمن جریان مرضی تزریق شود یا از نقطه نظر جلوگیری مرض اینها اهمیت دارد .

پیش در هر صورت این يك شبهه خواهد بود از مؤسسه باستور و از نقطه نظر تشخیص و تعیین راه جلوگیری و عملیات دیگر همان ارتباطی را که باید وزارت فواید عامه داشته باشد خواهد داشت .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب - بنده موافقم (اجازه) آقاسید یعقوب - (خطاب با آقای تدین) پیشنهادتان را آقای وزیر قبول کردند حالا ماده باین شکر در می آید (ماده مزبوره آقای اقبال المعالم بترتیب ذیل قرائت نمودند) ماده اول - مجلس مقدس شورای ملی بدولت اجازه می دهد که شعبه مخصوصی بنام دفع آفات حیوانی و سرم سازی در تحت نظارت مؤسسه باستور تاسیس نماید .

قلدین - کلمه مقدس جز عین شاهانه بنده نبود .

رئیس - ایشان خودشان ضمیمه کردند (خدمه نمایندگان) رای گرفته میشود بماده اول یاسانی - بنده پیش نهادم (پیشنهاد ایشان بمضمون ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم بجای تحت نظارت (تبدیل شود) بتصدی یاسانی - بنده با کمال عجله این پیشنهاد را نوشتم و مقصود این است که در تحت نظارت انستیتو باستور نوشته شده است باتوجه بجای که آقای وزیر دادند مخالف است .

برای این که بالاخره این طور قرار باصلاح شد که این يك شعبه آن مؤسسه است پس از آن شبهه تصدی است و نظارت ندارد و بنده تحت نظارت را نمی فهمم یعنی چه؟

یعنی آن کسی که رئیس شعبه انستیتو باستور است نظارت دارد ؟ خیر نظارت ندارد .

بنابراین بنده عقیده دارم که بجای تحت نظارت تصدی نوشته شود .

رئیس - آقایانی که با این پیشنهاد موافقت بفرمایند . (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای طهرانی (این طور قرائت شد) این بنده پیشنهاد می نمایم که ماده اول اینطور اصلاح شود .

ماده ۱ - مجلس شورای ملی بدولت اجازه می دهد که شعبه مخصوصی بنام دفع آفات حیوانی و سرم سازی در مؤسسه باستور تاسیس نماید .

و چون يك شبهه است از آن اداره و همان کاری را که ما از آن می خواهیم انجام خواهد داد

لذا برای تأمین این مقصود بنده این طور پیش نهاد کردم که نوشته شود دولت شعبه مخصوص بنام دفع آفات حیوانی و رسم سازی در موسسه باستور تهیه نماید

رئیس - رای می گیریم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد

رای می گیریم بماده اول بترتیبی که فرات شد. آقایانی که تصویب ...

حاج آقا اسمعیل عراقی - مجدداً قرائت شود: (مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند. (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم (شرح آنی خوانده شد)

ماده دوم - وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه مجاز است که یک نفر متخصص فنی ببطاری در حدود سالی چهار هزار تومان از فرانسه اجیر نماید و کثرت استخدام مشار الیه بایند بتصویب مجلس شورای ملی برسد

رئیس - لفظ مجدداً گویا زیاد باشد آقای تدین

(اجازه) تدین - بنده بعد از تصویب ماده اول و اینکه مجلس شورای ملی اجازه میدهد بدولت که شعبه مخصوصی ایجاد کند

ماده دوم رازانه میدانم برای این که مجلس این اجازه را می دهد و هر وقت که دولت لوازم این کار را تهیه کرد و خواست یک نفری را استخدام نماید لایحه اش را تقدیم مجلس خواهد کرد و مجلس هم رای میدهد

بنابر این دیگر این ماده موردی ندارد

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - بنده هم فرمایش آقای تدین را خواستم عرض کنم

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده هم همین طور متقدم

رئیس - خوب رای می گیریم بماده دوم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند) رئیس - در شد

پیش نهادی شده است از طرف آقای ضیاء الواعظین قرائت می شود

(پیش نهاد آقای ضیاء الواعظین بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

محقر پیش نهاد می نمایم که دو ماده ذیل بلائحه کمیسیون فوائد عامه علاوه شود

ماده سوم بیکی از قراء خالصه اطراف خواهد شد

ماده چهارم - وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه و وزارت مالیه و صبحه کل مملکتی مأمور اجرای این قانون هستند

ضیاء الواعظین - بیاناتی که راجع بماده اول می خواستم عرض کنم بعنوان یک نماینده بود حالاً هم پیش نهاد کردم که ماده دوم این لایحه که راجع بواگذاری یکی از قراء خالصه اطراف تهران است جهت امتحان و نگاهداری یک مقداری گاو در آنجا برای تهیه سرم

اگر آقایان بامدل لایحه که از طرف دولت بمجلس رسیده است توجه کنند خواهند دید که در آن لایحه نوشته شده بود یکی از قراء خالصه را دولت برای این کار تصویب خواهد داد بجهت این که در آنجا یک مقداری گاو نگاهدارند و سرم درست کنند و بتوانند سرم باندازه کافی تهیه نموده باطراف مملکت بفرستند و بقیه بنده مادام که این شعبه در موسسه باستور دارای چنین محلی برای نگاهداری گاو زیاد نباشد ما آن استفاده ای که لازم است از این مؤسسه بکنیم بکنیم

این یک ماده است

ماده دیگری که بنده پیش نهاد کردم این بود که وزارت فوائد عامه و فلاح و تجارت و مالیه و صبحه کل مملکتی مأمور اجرای این قانون می باشند و هر قانونی که از تصویب مجلس می گذرد باید معلوم شود کدام وزارتخانه مسئول اجرای آن قانون است و اگر این قانون همین طور بدین یک چنین ماده تصویب شود آنوقت مأمور اجراء ندارد

در صورتی که وزارت فلاح از نقطه نظر ذراعت و وزارت مالیه از نقطه نظر مالی و اداره کل مملکتی هم از نقطه نظر اینکه حق دارد در امور صبحی مداخله نماید باین قانون اجراء نمایند

رئیس - آقای تهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

(جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)

رئیس - رای گرفته می شود بمقابل توجه بودن پیش نهاد آقای ضیاء الواعظین آقایانی موافقت قیام فرمایند

(عده ای قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد ماده چهارم دیگر صورتی ندارد

آقا شیخ محمد علی طهرانی - اجازه می فرمایند؟

رئیس - راجع بجهت طلب است طهرانی - راجع باینکه در اینجا ماده اول نوشته شده در صورتی که باید ماده واحده نوشته شود

رئیس - ماده واحده می شود در تالی دیگر رای گرفته نمی شود

وکیل الملک - بنده در دستور عرض داشتم رئیس - دستور جلسه آتی قانون انتخابات است که از سابق مین شده

معاون وزارت عدلیه - لایحه راجع بتفسیر ماده ۲۳۸ اصول تشکیلات عدلیه است که تقدیم میشود و سابقاً هم یک لایحه راجع بتجدید کنترات مسو برنی مستشار عدلیه تقدیم کردم چون یک نواقصی داشت آنرا پس میگیرم و این لایحه را تقدیم می کنم

رئیس - اگر آقایان اجازه میفرمایند جلسه ختم شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک منشی - علی اقبال الملک منشی - معظم السلطان

جلسه صد و هفتم صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه هیجدهم جمادی دوازدهم شهر

سیصد و چهل و سه مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر برپاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم سهشنبه شانزدهم جمادی را آقای اقبال الملک قرائت نمودند) رئیس - نسبت بصورت مجلس ابراری هست یا نه؟ آقای آقا سید یعقوب

(اجازه) آقا سید یعقوب - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست بفرمایند

آقا سید یعقوب - بنده خواستم بآقایان اعضا محترم کمیسیون بودجه تذکر بدهم که راجع ببودجه سه آتی بدولت تأکید کنند که مثل بودجه امسال نشود که نظریاتی که در بودجه گرفته شده است عملی شود خواستم تذکر بدهم که آقایان فراموش

نکنند رئیس - دستور امروز قانون انتخابات است ولی قبلاً برای اطلاع خاطر آقایان عرض میکنم که لایحه عوارض بلدی از طرف دولت مسترد شده است

حائری زاده مخبر کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات قبلاً لازم است یک جمله را عرض آقایان برسانم که در مقدمه این راپورت دلائل فوریت این قانون نوشته شده است برای اینکه شش ماه بآخر دوره مانده باید قانون انتخابات تمام شده باشد و حالاً تقریباً یک سال بیشتر بآخر دوره باقی نمانده و اگر بنا باشد دوشور شود تا شش ماه دیگر تمام نمیشود و باید سه ماه قبل از شروع انتخابات این قانون حاضر باشد که اهالی کاملاً از آن مسبوق باشند باین واسطه از طرف کمیسیون تقاضا شده است که مجلس بمواد فوریت این قانون رای بدهد که یک شور بیشتر نشود

رئیس - نمایانم میشود بفوریتش رای داد یا نه؟ از ماده هفتاد و چهار نظامنامه چنین برمیآید که نمیشود

(سه ماده از نظامنامه بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هفتاد و چهارم - در وقتیکه لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد میشود و وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان تقاضا نمایند که فوریت بودن آن را تصدیق نمایند

رئیس - نمایانم میشود بفوریتش رای داد یا نه؟ از ماده هفتاد و چهار نظامنامه چنین برمیآید که نمیشود

(سه ماده از نظامنامه بشرح ذیل قرائت شد)

ماده هفتاد و چهارم - در وقتیکه لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد میشود و وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان تقاضا نمایند که فوریت بودن آن را تصدیق نمایند

ماده هفتاد و پنجم - این چنین تقاضا بمقدمه که حاوی دلائل آن باشد اظهار میشود و پس از آن مجلس در فوریت و عدم فوریت آن رای میدهد

ماده هفتاد و ششم - اگر مجلس فوریت آن مطلب را تصدیق نماید مطلب مزبور را یا بشعبات یا یکی از کمیسیون های مربوطه آن که سابق تشکیل شده رجوع می نمایند

نیز مجلس می تواند خود فوراً به آن آن لایحه یا طرح قانونی رسیدگی کند و این در صورتی است که مخصوصاً در این باب رای داده شود

رئیس - از اینجا همچو برمیآید که وقتی که طرح یا لایحه پیش نهاد می شود قبل از ارجاع آن به کمیسیون بایستد فوریتش تقاضا شود و بعد از برگشتن از کمیسیون

حائری زاده - چون این لایحه در حکم لوایح و طرحهای دیگر نیست این لایحه یک لایحه است که در مجلس چهارم مطرح بوده و تقریباً دوشور هم شده است و در این دوره یک عده از آقایان نمایندگان تقاضا کردند به کمیسیون مراجعه شود

رئیس - در این لایحه چه چیزها در نظر گرفته شده است و در این لایحه چه چیزها در نظر گرفته شده است

مشارعظم - مطابق ذیل ماده هفتاد و شش میشود رای داد

رئیس - اگر رای داده شد که کمیسیون

پیش نهاد کردن فوریتش هم تقاضا شود از طرف دولت هم نبوده در نظامنامه هم منع نمی کنند که وقتی راپورت کمیسیون آمد تقاضای فوریت نشود کرد و گمان نمی کنیم اشکالی داشته باشد

رئیس - آقای سرکشیک زاده (اجازه) سرکشیک زاده - بطوری که آقای حائری زاده اظهار کردند در این سه ماده یعنی مواد هفتاد و چهار و هفتاد و پنجم و هفتاد و شش چیزی نیست که مانع از این باشد و کمیسیون نتواند تقاضای فوریت نماید

در ماده هفتاد و چهار مینویسد در موقعی که لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد میشود و وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان تقاضا نمایند که فوریت بودن آن را تصدیق نمایند

منتهی تا اکنون همچو سابقه پیش نیامده که پس از راپورت دادن کمیسیون تقاضای فوریت نمایند و چون بنده هم تصویب این قانون را هر چه زود تر لازم میدانم این است که تقاضا می کنم بفوریتش رای گرفته شود

رئیس - آقای عراقی (اجازه) عراقی - بنده تصور میکنم علاوه بر این موادی که از نظامنامه قرائت شد مسئله انتخابات یک مسئله مهمی است و در یک چنین مسئله مهمی نمیشود گفت چون در دوره چهارم درش شور شده است حالا هم در این دوره یک شور درش بشود و این را هم بچسباییم

این را بنده تصدیق نمیکند و تصور نمیکنم خوب باشد

انتخاب نمایندگان یک مسئله مهمی است و وکیل را باید انتخاب نمایند که بایند در مجلس تأسیس قانون بکنند و با این ترتیب یک انتخاباتی که در کمیسیون نوشته شده است

البته بنده کمال اعتماد را به اعضا کمیسیون دارم ولی بخودم بیش از آنها اعتماد دارم و در یک شور بنده نمیتوانم بفهمم کجای این لایحه به است و کجایش خوب است و تصور میکنم غالب آقایان هم با عقیده من همراه باشند که دو شور

رئیس - رای میگیریم ... دست غیب - بر خلاف نظامنامه است

رئیس - رای بفوریتش نمی گیریم که آیا میتوان بفوریتش رای گرفت یا خیر در واقع تفسیر است اگر رای داده شد که کمیسیون میتواند

مشارعظم - مطابق ذیل ماده هفتاد و شش میشود رای داد

رئیس - اگر رای داده شد که کمیسیون

پیش نهاد تقاضای فوریت کند کمیسیون در هر موقعی ولودرین شور هم باشد میتواند تقاضای فوریت بکند

مدرس - این خوب سابقه نیست رئیس - رای میگیریم که آیا میتوان بفوریتش رای بگیریم یا خیر آقایانی که تصویب میکنند ممکن است بفوریتش رای گرفت قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - مذاکرات راجع بکیلیات است

آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - بنده اساساً با یک رشته اصلاحاتی که در قانون انتخابات بشود قبلاً موافق بودم ولی نه اینطور اصلاحاتی که کمیسیون تدبیر نظر در قانون انتخابات کرده است

بعتیده بنده این اصلاحاتی که در این قانون انتخابات شده آن مقصودی را که از اصلاح این قانون در نظر داشتیم به عمل نیآورد

یکی از چیزهایی که مورد نظر همه آقایان نمایندگان محترم است این است که طوری قانون انتخابات تدوین شود که از نفوذهای نا مشروع جلوگیری شود و بنده در اصلاحاتی که در این قانون نوشته شده هر چه دقت کردم چنین ماده بنظر نیامد که از نفوذها نا مشروع جلوگیری کند

به اجرا میشود

فوری حمله میکنیم بخود آن قانون بد است و حال آنکه بعتیده بنده اگر قانون بد خوب اجرا شود باز خوب است

میتواند تقاضای فوریت کند کمیسیون در هر موقعی ولودرین شور هم باشد میتواند تقاضای فوریت بکند

مدرس - این خوب سابقه نیست رئیس - رای میگیریم که آیا میتوان بفوریتش رای بگیریم یا خیر آقایانی که تصویب میکنند ممکن است بفوریتش رای گرفت قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - مذاکرات راجع بکیلیات است

آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - بنده اساساً با یک رشته اصلاحاتی که در قانون انتخابات بشود قبلاً موافق بودم ولی نه اینطور اصلاحاتی که کمیسیون تدبیر نظر در قانون انتخابات کرده است

بعتیده بنده این اصلاحاتی که در این قانون انتخابات شده آن مقصودی را که از اصلاح این قانون در نظر داشتیم به عمل نیآورد

یکی از چیزهایی که مورد نظر همه آقایان نمایندگان محترم است این است که طوری قانون انتخابات تدوین شود که از نفوذهای نا مشروع جلوگیری شود و بنده در اصلاحاتی که در این قانون نوشته شده هر چه دقت کردم چنین ماده بنظر نیامد که از نفوذها نا مشروع جلوگیری کند

به اجرا میشود

فوری حمله میکنیم بخود آن قانون بد است و حال آنکه بعتیده بنده اگر قانون بد خوب اجرا شود باز خوب است

این را بنده تصدیق نمیکند و تصور نمیکنم خوب باشد

انتخاب نمایندگان یک مسئله مهمی است و وکیل را باید انتخاب نمایند که بایند در مجلس تأسیس قانون بکنند و با این ترتیب یک انتخاباتی که در کمیسیون نوشته شده است

البته بنده کمال اعتماد را به اعضا کمیسیون دارم ولی بخودم بیش از آنها اعتماد دارم و در یک شور بنده نمیتوانم بفهمم کجای این لایحه به است و کجایش خوب است و تصور میکنم غالب آقایان هم با عقیده من همراه باشند که دو شور

رئیس - رای میگیریم ... دست غیب - بر خلاف نظامنامه است

رئیس - رای بفوریتش نمی گیریم که آیا میتوان بفوریتش رای گرفت یا خیر در واقع تفسیر است اگر رای داده شد که کمیسیون میتواند

مشارعظم - مطابق ذیل ماده هفتاد و شش میشود رای داد

رئیس - اگر رای داده شد که کمیسیون

پیش نهاد تقاضای فوریت کند کمیسیون در هر موقعی ولودرین شور هم باشد میتواند تقاضای فوریت بکند

مدرس - این خوب سابقه نیست رئیس - رای میگیریم که آیا میتوان بفوریتش رای بگیریم یا خیر آقایانی که تصویب میکنند ممکن است بفوریتش رای گرفت قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - مذاکرات راجع بکیلیات است

تخصیص داد باشاهاس باسواد (بعضی از نمایندگان صحیح است) آقا سید یعقوب - آفرین بر این آزادی خواهی!

یاسائی - بنده آزادی خواه هستم و خیلی تند روتز از غالب شما ها هستم ولی این تندرویها را غالباً دیده ایم که بحال مملکت هلاکتر است و بنده عقیده دارم که ایرانی خواهی میکنم ... (همه نمایندگان کان صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت)

یاسائی - آقایان توجه بفرمایند هر کس مخالف است بعد بپایند اینجا جواب بدهد

بنده عقیده دارم که جمعی از این بده قسمت تقسیم میشوند و نه قسمت از آنها اشخاصی هستند که نمی فهمند چه میخواهند و چه می گویند و بعتیده بنده نمی توانم در امور اجتماعی شرکت کنند چرا برای اینکه خصم آنها از آنها استفاده میکنند

مادیده ایم توده های جاهل و راهبا و دهانین در این مملکت آلت دست خصم خود میباشند و اگر در انتخابات شرکت کنند همانندین آنها از آنها استفاده کرده و نتیجه می گیرند

بنده عقیده ام این است اشخاصی که واسطه مستضعف بودن و بواسطه اینکه تشخیص نمیدهند راهی که میدهند برای چیست نمی فهمند حکومت ملی یعنی چه و نمی فهمند در وقت آستان اسمی را که می نویسند حکومت و سلطنت ملی خودشان را بدست آن شخص میدهند

نباید در امر انتخابات دخالت کنند زیرا بضرر خودشان است

بقول آقای مشیر لدرله ما همیشه باید فلسفه ها را فدای عمل کنیم

مادر عدل می بینیم که این قبیل انتخابات بر علیه زارین و دهانین تمام می شود و دیگران از آن استفاده می کنند این عقیده شخص من است که اگر انتخابات را تصویب بدیم به اشخاص باسواد در تحت نفوذ واقع نمی شوند و در آنها تهدید و تطبیع کمترین می کند و هیچ ازومی ندارد که فرضاً ما بگوئیم آقای حائری زاده از یزد بایستد و سه هزار رای انتخاب شدند بگوئیم یا دو هزار رای انتخاب شدند و به عقیده من این دو هزار رای و زتنش زیادتر از دو بیست هزار رای است که یک نفر بنویسد و هزار تا هزار تا تقسیم کند

در مملکتی که قراء آن باندازه اعضا انجمن نظار باسواد ندارد و غالب جاهلها بنده سراغ دارم که بلوک گردی می کنند که هفت نفر پیدا کنند برای عضویت انجمن نظار

چطور می شود اطمینان پیدا کرد بیک چنین انتخاباتی بملاوه ما میگوئیم انتخاباتی معنی است و معنی بودن انتخابات

باز هم عرض می کنم ضرر ندارد ما

با ترتیبی که در قدیم معمول بوده و هنوز هم هست منافی است زیرا اشخاصی که سواد ندارند چه میکنند؟

مجبورند دوره های سفید خودشان را بدهند باشاهان دیگری بنویسند در این صورت چه طور انتخابات مخفی است؟

فلان کدخدا درده نشسته و پانصد رای بخط پسرش نوشته (چون خودش که سواد ندارد پسرش که تازه مکتب رفته و اسم نویسی را یاد گرفته)

معلوم است این کدخداهم با فلان متنفذی که فرضاً در شهر است مربوط است در این صورت این انتخابات بیبیل آن آن يك نفر تمام میشود

هجاتاً بعتیده بنده با این ترتیب انتخابات اهالی شهرها که بیشتر از عقال و اشخاصی هستند که می توانند در امور اجتماعی دخالت کنند از انتخاب کردن و انتخاب شدن معرومند

من باب مثال یکی را عرض میکنم بهترین نمونه انتخابات مشهد است شهر مشهد حقیقاً از انتخابات محروم بودند زیرا اکثریت را دهات بردند من باب مثال عرض میکنم خود بنده را اشخاص انتخاب کرده اند که اکثریتشان دهاتی بوده اند و این مسائل را تشخیر نمی دانند و بنظر بنده باید انتخابات را تصویب داد بسواد دارها ... مادام که این مملکت توسعه نیافته است و اشخاص يك اطلاعات سیاسی و اجتماعی کم و بیش پیدا نکرده اند و نمی فهمند مجلس یعنی چه و مفهوم حکومت و سلطنت ملی را نفهمیده اند و سالیان دراز دیگر نمی فهمند باید بی سوادها در امر انتخابات دخالت نکنند

زیرا آنها آلت دست اشخاص میشوند و بهر طرف می خواهند آن ها را سوق می دهند

بعضی ما از حکومت های وقت شکایت می کنند (تضییع مربوط به حکومت حاضر نیست) بطور کلی حکومت ها و دولت ها در امر انتخابات دخالت می کنند و تلنگر آفات رمزی مغایره می نمایند فلان کس را باید انتخاب کنید

چه چیز از این تقاضا جلو گیری می کند؟ همان که عرض کردم که انتخابات بسواد دارها تخصیص داده شود باین ترتیب هیچ نفوذ معنی و مرکزی نمیتواند انتخابات را از جریان طبیعی باز بدارد

بهترین انتخاباتی که در دوره گذشته شده است انتخابات طهران بود که طبیعی ترین انتخابات بوده است برای این که مردم تهران سوادشان بیشتر است اطلاعات سیاسی و اجتماعی شان بیشتر است و آن را یکی که مردم تهران داده اند غیر از يك قسمت دهات و اطراف طبیعی ترین آراء بوده است

فلسفه را فدای عمل کنیم به بیستم چگونه می شود
 مادر مقام فلسفه حق می دهیم به زارعین و دهاقین و غیره ولی در موقع عمل حقیقه حق بآنها ندادیم برای این که آنها نمی توانند از حق خودشان استفاده کنند و خصم آنها استفاده می کنند
 دیگر از اصلاحاتی که در این قانون شده است این است که خواسته اند در امر انتخابات تشریحی شده باشد تا مجال برای متفکرین باقی نماند که اعمال نفوذ کنند این است که قرار داده اند اعضاء انجمن نظار دو قسمت شوند
 یک قسمت مشغول توزیع تعرفه باشند و یک قسمت مشغول اخذ رأی و به عقیده بنده مضار این ترتیب بیشتر است زیرا با ترتیب فعلی که اعضاء انجمن نظار فرضا هفت نفرند وقتی دو قسمت شدند چهار یا پنج نفر آنها تصدی اخذ رأی می شوند و سه چهار نفر تعرفه می دهند و این برخلاف اصلی است که ما می گوئیم هیئت نظار باید هفت نفر باشند
 دیگر این که در آن محل هائی که انجمن نظار مشغول توزیع تعرفه و اخذ رأی است یک تهاجم هائی می شود که برای انجمن نظار تولید اشکالاتی می کند و می تواند مراقبت خودشان را کاملاً اضعاف کنند
 بعقیده بنده یک هرج و مرج هائی در انجمن نظار تولید میشود و اگر همین ترتیبی که فعلاً معمول است هیئت نظار تماماً مشغول توزیع تعرفه بشوند و در یک موقع معینی هم کاملاً هیئت تعرفه گیرها را تجمیع بدهند خیلی بهتر است و تفاوت این امر پنج روز الی ده روز است و بنده خواسته اند رعایت حال دهاقین و زارعین را در نظر بگیرند که مثلاً فلان دهقان را که از فلان ده بیش می اندازند و میآورند برای گرفتن تعرفه
 آنوقت یک روز دیگر هم باید برای دادن رأی بیاید و در نتیجه این بیچاره را دو روز معطل می کنند و از کارش بی کار می کنند و موجب استفسار طرفشان میشوند ولی وقتی که ما بخواهیم تخصیص بدهیم باشخاص با سواد که غالباً اهل شهرها هستند و در مراکز بزرگت هم یک عده اشخاص با سواد هستند دیگر این اشکالات را هم ندارد
 زیرا آن دهقان سرکارش مشغول است و بیش هم در دستش است و هیچ معنای حکومت ملی را هم نمی فهمد و هیچ لزومی هم ندارد
 است

اختصاص بدهیم به باسوادها و بنده را می شناسند که مسلک از اغلب شاهاندا چلو تریم ...
آقای سید یعقوب - لفظاً
یاسائی - و بنده در مقام عمل دیده ام که متفکرین سواد استفاده از این قانون می کنند و علاوه این ترتیب نامعنی بودن انتخابات منافات دارد چه ضرر دارد اشخاصی که همین قدر می توانند اساسی را بخوانند و بنویسند دولت یک ورقه های مخصوص نشاندار بین آنها توزیع نماید و روی آن ورقه آنها هم در حضور نظار هر کس رأی خودش را بدهد و هیچ اشکالی هم ندارد و علاوه لزومی ندارد که سی هزار رأی باشد
 یکی دیگر از چیزهایی را که بنده تصور می کردم آقایان اعضاء کمیسیون در نظر می گیرند و فراموش کرده اند یا چندان اهمیتی نداده اند
 این است که در غالب ولایات ایران از نقطه نظر این که خواسته اند یک تناسبی برای حوزه بندی ها قائل شوند آمده اند دو حوزه حکومتی یا سه ولایت راضیه یکدیگر کرده اند و شده است یک حوزه انتخابیه
 مثلاً ملایر و نهاوند و نوسرکان این سه ولایت را یک حوزه انتخابیه کرده اند و همینطور در آذربایجان و کردستان و آمل و تنکابن
 و در این حوزه انتخابیه کرده اند و همچنین سمنان در اصفهان
 و نون و طبرستان و گن آباد اینها ولایات مختلفه و همگی هم طوری که در محلات کلیایکان و خوانسار اینها ولایات مختلفه و تقسیمات طبیعی شان هم جداست ولی در انتخابات شریکند
 و در این جا معایبی که بعقیده بنده در قانون انتخابات هست این است که آمده اند یک چهار مرکز و انهم اصلی قرار داده اند
 ولی برای ولایات و حوزه های دیگر انهم فرهی قائل شده اند
 مثلاً برای ملایر یعنی دولت آباد اینجا یک انجمن مرکزی قائل شده اند اما برای نهاوند انجمن فرهی معین کرده اند و نهاوند و نوسرکان را در عرض فلان ده خود ملایر قرار داده اند و بعقیده بنده میبایستی یک ترتیبی کرده باشند که اهالی دو یا سه ولایتی که مشترکاً وکیل انتخاب می کنند در انجمن مرکزی هم شریک باشند
 مثلاً ملایری سه عضو در انجمن مرکزی داشته باشند و نهاوند دو عضو داشته باشد نوسرکان هم یک عضو یا دو عضو داشته باشد که انجمن مرکزی از اهالی ولایات مختلفه تشکیل شود زیرا مادیده ایم یک تمیضات یا یک مظالمی اتفاق

می افتد به اسم اینکه یک عده از اهل محل جزوا انجمن مرکزی هستند و یک عده اهل محل دیگر جزوا انجمن فرعی در صورتیکه وقتی مقایسه می کنیم هیچ تفاوتی باهم ندارند
 یکی دیگر از چیزهایی که خیلی مهم است و همیشه مورد مذاکره و مناقشه بوده است مسئله جمعه ها است و نباید آنرا باقیان فکری برای این مسئله کرده اند یا خیر؟
 زیرا اگر ما این قسمت را در نظر نگیریم و توجهی به آن نکنیم ممکن است با این فورمالیته هائی که بعمل بیاید آخرش یک طوری دیگر شود و باید ترتیبی برای حفظ جمعه و صندوق های رأی در این قانون پیش بینی کرد که این صندوق های رأی در مراکز انتخابیه در آن مدتی که خوانده نشده است در تحت نظر که باشد و چه اشخاصی باید حافظ و ناظر این صندوق ها باشند
 والا یک فورمالیته هائی و یک صورت هائی بعمل می آید و یک انتخاباتی می شود ولی آخرش یک چیزهای دیگری بیرون می آید و بالاخره بنده بعقیده ام این است که کمیسیون باید این قسمت را در قانون انتخابات پیش بینی کرده باشد یکی دیگر هست و خیلی کشش دار است و قابل تمیز و تفسیر است مسئله تهدید و تطمیع است آقایان خوبست تهدید را تجدید کنند و یک مقامی برای تهدید و تطمیع قائل شوند که معلوم شود حدش تا کجا است یعنی مثلاً بنده که میگویم وکیل بشوم اگر گفتم آقایان وکیل تراش ها آقایان صالحین برای انتخاب اگر من بروم در پارلمان برای شما قوانین خوب وضع میکنم
 جرح و تعدیل در مالیات ها می کنم - خط آهن برای شما درست میکنم معادن شما استخراج میکنم - و چه میکنم - و چه میکنم
 آیا این هم تهدید و تطمیع است و از این قسمت ها هم باید جلوگیری کرد یا نه؟
 و بنده معتقدم که این قسمت ها باید در قانون قید شود یا اینکه مثلاً بنده برای اینکه دیگری را انتخاب نکنند میگویم فلان آدم فلان سابقه را دارد یا از فلان قسمت و فلان تپ است
 و اگر او را وکیل بکنید مضرات زیاد دارد و برای شما چنین و چنان می کند آیا اینها هم تهدید و تطمیع است؟ و بنده معتقدم که میبایستی بعد از کلمه تهدید و تطمیع یک توضیحاتی هم داده شود که یک معنای واضح و روشنی ازش فهمیده شود.
 مابطور کلی وقتی که در شعبه بودیم

و بدو سه انتخابات مراجع میگردیم و رایزرها را میخواندیم می دیدیم شکایت کردند و تطمیع شده است آن وقت در شعبه در این باب مباحثه زیادی کردیم و میگفتیم تهدید و تطمیع معانی زیادی دارد ممکن است این قسمت باشد
 ممکن است آن قسمت باشد و اینکه بطور مطلق شکایت کرده اند که تطمیع شده این معلوم نیست و مطابق قانون این شکایت وارد نیست و در صورتیکه شاید بمعنای خودش هم بوده ولی در معنای آن اختلاف داشتیم این بود که اصل موضوع ازین میرفت و شکایت هم قابل توجه نمی شد و دیگر از چیزهایی که میبایستی در این قانون پیش بینی شود و تجربه گذشته هم با آن موخر شده است و لزوم قید آن را تأیید میکنم
 این است که اگر حکومت های وقت یک مسامحه و توافل ها و تأخیر انداختن هائی در انتخابات کردند مجلس با آنها معامله باید بکند
 یا اگر انتخابات را توقیف کردند و بیضاتی در پیش انداختن انتخابات نقاط و ولایات برای تهیه زمینه ها بعمل آوردند چه باید کرد
 مثلاً فلان ولایت فوراً انتخاباتش شروع میشود ولی یک ولایت دیگری شش ماه طول میکشد و یک تمیضات و تقییم و تأخیر هائی در امر انتخابات میشود یا اینکه حکومت برای اینکه وکیل معروضه نظریات خصوصی بسوزد اینک مسؤلیتی داشته باشد انتخابات فلان نقطه را تأخیر اندازد
 یا اینکه یک توقیفهای خلاف قانونی مینماید و در همین انتخابات دوره پنجم ملاحظه فرمودید که انتخابات خیلی از جا هارا بدون جهت توقیف کردند و بعد از توقیف خارج شد
 مثلاً انتخابات رفسنجان که آقای آقا میرزا شهاب نماینده آنجا هستند انتخاباتش تمام شده بود ولی وقتی که خواستند اعتبارنامه ایشان بدهند انتخابات آنجا بدون اطلاع دولت توقیف شد و علتش هم همین بوده است که مثلاً حاکم محلی اینطور دلش خواسته است علی ای حال بعقیده بنده کمیسیون معترم تجدید نظر در قانون انتخابات باید فکری برای جلوگیری از این قبیل قضایا بنماید که وقتی موقع انتخابات شد
 بلافاصله در تمام نقاط مملکت بدون تأخیر شروع شود تا اینکه یک نفر تهاش بیش نباید و اینکه نوشته اند شش ماه یا آخر دوره مجلس مانده باید انتخابات شروع شود بعقیده بنده این تذکره هم با آن قسمت ها را تأمین نمیکند
 زیرا وقتی یک دولتی یا یک حکومتی میل نداشته باشد ممکن است شش سال هم عقب بیفتد و باید در این قانون یک مسؤلیت

هائی برای دولت ها و بالتصویر حکام قائل شد که اگر در انتخابات تهاون و سستی کردند بعد با آنها چه ترتیب باید رفتار کرد؟ یکی دیگر از چیزهایی که گمان میکنم
 در دوره چهارم هم موضوع بحث بوده است و در اینجا تکلیفی برای آن معلوم نکرده اند مسئله معروفیت محلی است و این هم بعقیده بنده یک مسئله کش دار است که میشود معانی زیادی برایش درست کرد و میبایست آقایان توضیحاتی در اطراف مسئله معروفیت محلی بدهند
 زیرا مثلاً ما کدونا در غالب ایالات ولایات ایران معروف است و هر کجا بروید میگویند ما کدونا رئیس الوزرا نیست که از طرف کارگران تعیین شده بود و این معروفیت محلی نیست و بعقیده بنده باید توضیحاتی در پهلوی این عبارت معروفیت محلی نوشته شود که معروفیت در محل چه معنائی دارد یا معروفیت در مرکز و در ایران چه معنای دارد والا خیلی اشخاص هستند که اسحاق در اغلب نقاط معروفیت ولی معروفیت محلی ندارد و بعقیده بنده معنای معروفیت محلی عبارت از شناسائی کامل باخلاق و صفات آن کسی است که در نظر میگیرند انتخاب کنند و علاوه یک قیدی هم در قانون انتخاب بود که اینجا قید شده است و آن این است که وکیل باید مدتی در محل توقف نماید
 برای اینکه وکیل معروفیت در محل داشته باشد و مو نلین با فکار و اخلاق سیاسی او آشنا بشوند و همین طور بکس تطمیع هم باید از اخلاق و رسوم و عادات و وضعیات جغرافیائی محل کاملاً اطلاع داشته باشد و تپها را بشناسد و اگر وکیل گیلی نشناسد آن دو تپ دو دسته که در محل با هم مباحثه و مناقشه میکنند مبتنی بر چیست - ممکن است یک اقداماتی برخلاف مصلحت آنها بنماید و اگر دست که تپ های معارضی که در محل هستند چه نوع اخلاق و صفاتی دارند و بدو خوب وزش و زیبای آنها را تشخیص داد آن وقت دیگر غیبت نمیکند
 مثلاً بنده خوب میدانم که احتیاجات یزد چیست برای اینکه اصلاح اهل یزد هستم و وطنم هم آنجا است و کاملاً از جریانات و وضعیات جغرافیائی و اخلاقی آنجا اطلاع دارم ولی از آذربایجان اطلاع ندارم و حال اگر بنده از زنجان یا سبزوار وکیل شدم بعقیده بنده خیلی بی مناسب است برای اینکه سبزوار و بنده هیچ هم مربوط نمی شود
 دیگر از چیزهایی که خیلی مهم بوده است و توجه آقایان بیشتر متوجه آن بوده است مسئله حوزه بندیها است که آقایان وقتی که این قانون در کمیسیون مطرح شد ما یک اطلاعاتی از روزارت داخله

این جهت در این راپرت نوشته اند که مجلس اختیار بدهد بکمیسیون تا کمیسیون حوزه بندی کند
 یعنی مجلس حق ندارد در این تقسیم بندی و جدول بندی دخالت کند و صورتی که این حق مجلس است
 مطابق قانون اساسی عده نمایندگان مجلس شورای ملی صد و شصت و دونفر معین شده است و ولای الاقضا تا در دست نفر هم می توانند معین کنند
 و مطابق قانون اساسی باید صد و شصت و دونفر نمایندگان ایران در این مجلس بیایند و بنده نمیدانم روی چه اصلی آمده اند صد و سی و شش نفر معین کرده اند و این تقسیم بندی هائی که سابقه شده است هیچ عادلانه نبوده است و باید آن تقسیمات را بهم زد و یک تقسیمات عادلانه تری درست کرد و آن بیست و شش نفر وکیل را علاوه کرد
 و معادل همان صد و شصت و دو نفر وکیل برای ایالات و ولایات و مرکز منظور کرده یک اصلی را آقایان در نظر گرفته اند
 (بنده شنبه ام ولی جایی ندیده ام که مدون شده باشد)
 میگویند هر صد هزار نفر جمعیت باید یک وکیل بدهد
 خوب اگر اینطور است باید طهران سه نفر وکیل بدهد از این قراریچه مناسب است چهار وکیل بدهد
 اصفهان باید شش نفر وکیل داشته باشد هیچ تناسبی در این حوزه بندی ها ملحوظ نیست و باید تجدید نظری در حوزه بندی ها نمود و آقایان اعضاء کمیسیون باید تقسیمات آن را در نظر بگیرند و راپورت آن را بمجلس بسازند و رأی بدهند و هر چه اکثریت حکومت کرد البته مصاب است و دیگر بیست از این عرض ندارم
مخبر - فرمایشاتی را که آقای یاسائی فرمودند و این اعتراضاتی را که نسبت بکلیات فرمودند در واقع یک اعتراضاتی بر مواد بود و ممکن بود در موقع شور در مواد فرمایشات خود را بفرمایند و در بعضی از آنها بنده هم شخصاً با ایشان موافق و البته اگر مجلس موافقت کند کمیسیون هم مساعدت خواهد کرد
 ولی این یکی دو فقره اعتراض که راجع به تنظیم جدول فرمودند که دوسه محض را بیکدیگر منضم کرده اند هنوز جدولی تنظیم نشده است
 این اعتراض در واقع نسبت بقانون پیش وارد است و همین اعتراض باعث شد که تجدید نظر در قانون انتخابات را لازم دانستند
 و تنی که این قانون در کمیسیون مطرح شد ما یک اطلاعاتی از روزارت داخله

خواهستیم و چون از وزارت داخله هم از ولایات تحقیقاتی شده بود هنوز نتیجه آن تحقیقات بوزارت داخله نرسیده بود صد و سی و شش نفر نوشته شد
 ولی بعد کمیسیون عقیده پیدا کرد که صد و سی و شش نفر وکیل کافی نیست و باید بر عده نمایندگان افزوده شود که در موقع تنظیم جدول بعضی از نقاط مظلوم واقع نشوند مثل کرمان ، اصفهان و غیره و در این موضوع هنوز کمیسیون یک تصمیم قطعی در نظر نگرفته تا بر عرض مجلس برساند
 هر وقت راپرت آن تقدیم مجلس شد البته آقایان اعتراضات خودشان را خواهند فرمود
 اما اینکه فرمودند قانون اساسی عده نمایندگان را صد و شصت و دو نفر معین کرده و حالا صد و سی و شش نفر است و این مخالف قانون اساسی است - این طور نیست -
 در فاصله بین مجلس اول و دوم یک کمیسیون در طهران تشکیل شد که تجدید نظر در قانون انتخابات بکند و چون دیدند مخالف قانون است لذا مراجع کردند به انجمن های ایالتی و ولایتی و تقریباً مراجع بآراء عمومی بعمل آمد و آنها اختیارات خود را تقویت کردند به انجمن ایالتی آذربایجان و خواستند در چند اصل از قانون اساسی تجدید نظر شود
 یکی از آنها همین مسئله بود که آن ها صد و بیست نفر وکیل پیش بینی کرده بودند ولی مجلس بعد صد و سی و شش نفر وکیل دانست
 و این مجلس هم ممکن است صد و پنجاه نفر را لازم بداند و هیچ منافاتی هم با قانون اساسی ندارد
 پس این اعتراض آقا وارد نیست نسبت بسایر اعتراضات هم هر وقت مواد به مجلس آمد و ایشان اعتراضات خودشان را نمودند البته جواب داده خواهد شد
 (جمعی از وکلا گفتند مذاکرات کافیت)
رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را کسانی می دانند قیام فرمایند
 (جمعی از نمایندگان قیام کردند)
رئیس - اکثریت است
مخبر - یک جمله را لازم است بر عرض آقایان برسانم در بعضی از مواد قانون انتخابات کمیسیون تجدید نظر نکرده و از این جهت رفعت ماده قانون انتخابات درسی و هفت ماده اش تجدید نظر شده است و گمان می کنم نسبت بسواد که تجدید نظر نشده مذاکره لازم نباشد و معاذ کرات فقط نسبت بسواد که تجدید نظر شده است باید

رئیس - اینجا بطور کلی رأی داده شد که در کلیه قانون انتخابات تجدید نظر بشود
 پس تمام مواد باید مطرح شود
 آقایانی که تصویب می کنند در مواد شور بشود نیام فرمایند
 (اغلب نمایندگان قیام نمودند)
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۱ - انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی ایران در کلیه مملکت ایران بطور یکدرجه و مستقیم است
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - بعقیده بنده در اول باید کلیه (مخفی و متناسب) ضمیمه شده در جای دیگر در ماده هفتم نوشته اند مخفی خواهد بود
 ولی بعقیده بنده جایش در ماده اول است و باید نوشته شود :
 انتخابات مجلس شورای ملی در کلیه مملکت ایران بطور یک درجه و مستقیم و متناسب و بطور مخفی است
رئیس - آقای اشکر (اجازه)
اشکر - بنده موافق عرض می کنم که کلیه (مخفی) در ماده هفتم ذکر شده است و راجع به تناسیب هم در سایر مواد ذکر شده است لذا تکرارش لزومی ندارد
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - در ماده اول عرضی ندارم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیت
رئیس - ماده دوم (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده ۲ - در جاهائی که موافق تقسیم انتخابات حق انتخاب یک نفر نماینده دارند انتخاب فوری عمل می شود و در جاهائی بیش از یک نفر نماینده باید انتخاب نمایند جمعی خواهد شد
 توضیح - مراد از انتخاب جمعی آنست که هر یک از آنها انتخاب کنندگان در دوره های بعد مجموعه انتخاب شوند که آن محل اصلی اشخاص می نویسد و مراد از انتخاب فردی آنست که هر یک از انتخاب کنندگان در دوره رأی اسم یک شخص را می نویسند
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - عرضی ندارم
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - عرضی ندارم

رئیس - ماده سوم قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده ۳ - انتخاب نمایندگان با کثرت نسبی است.

رئیس - آقای ندین (اجازه)

قلندین - بنده غیبی تعجب میکنم از اینکه آقای یاسانی در ضمن کلیات يك شرطی را برای انتخاب کنندگان قائل شده و دلایل اقامه کردند که در ضمن آن دلایل اینطور اظهار شد که چون درده نفر نه نفر سواد ندارند

لذا حق ندارند در امر انتخابات و حکومت ملی شرکت کنند بنا بر این انتخاب کنندگان باید سواد داشته باشد و در واقع معتقد بحکومت اقلیت شدن و لازمه این کار این است که اگر ما بخواهیم باین مسئله قائل شدیم و بگوئیم چون مردم سواد ندارند باید اقلیت حکومت کند

آنوقت يك مسئله دیگر هم لازم میآید و آن این است که بگوئیم چون ازده نفر نه نفر سواد ندارند و در نتیجه نمیتوانند در امور حکومت ملی دخالتی بکنند بنا بر این حکومت ملی و مشروطه را هم باید منحل کنیم

حالا بنده نمیخواهم جواب ایشان را بدهم و در آن قسمتی که مخالف اظهار میکنم و نظریه ایشان هم ممکن است از طرق دیگر تأمین شود و چون حکومت ملی حکومت اکثریت است بنده مخالف با اینکه انتخاب نمایندگان بطور اکثریت نسبی بعمل آید

دردوره چهارم چندین مورد پیش آمد که در بعضی از نقاط اعلان انتخابات شروع شده و آن شخص که دومرجه اول بود اکثریت نام داشت دومی کمتر از او رأی سومی خیلی کمتر بود و بر حسب يك قضایای اتفای اولی دومی استفاده دادند

آنوقت بانود و چهار رأی يك و کبلی انتخاب میشود با جای دیگر اتفاق افتاد پنج و يك رأی یا کمتر يك کسی بست نمایندگی انتخاب شده است در صورتیکه يك حوزه که قانون با حق يك و کبلی داده است اقلایب صد هزار نفر جمعیت داشته باشد و از این صد هزار نفر باستانی صفار و اشخاص که قانوناً ممنوع از رأی دادن هستند اقلاده هزار نفر به آن و کبلی رأی میدهند

در صورتی که با اکثریت نسبی ممکن است يك کسی با پنجاه رأی یا شش رأی کاهی دوری و کبلی بشود البته يك کبلی که با دوری و کبلی می شود نمی شود گفت این و کبلی جامعه ملت ایران است بنا بر این بنده مخالف با اکثریت نسبی هستم و معتقدم که اکثریت نسبی تبدیل به اکثریت تام شود تا حقوق مردم محفوظ بماند

و و کبلی هم که بمجلس میآید و کبلی حقیقی و واجد شرایط بوده باشد و الا اکثریت نسبی آن معایب را دارد که عرض کردم مخیر - این فرمایشاتی را که آقای ندین فرمودند اصولاً صحیح است ولی باید راه عملی پیدا کرد

راست است که اکثریت بر اقلیت و بر مقدرات يك جامعه دخالت و حکومت کند خوب نیست ولی چون چاره دراهی غیر از این پیدا نشده است لذا چاره جز اینکه حکومت را بدست اکثریت بدهیم نداریم این اصل را قانون اساسی معین کرد که اقلیت باید از اوامر اکثریت اطاعت کند

ولا معنی ندارد من که يك نفر هستم از شما که پنج نفر شدید اطاعت کنم ولی ما ما اگر خواسته باشیم اکثریت تام را مناطق اختیار فراردهیم چهار زحمت خواهیم شد در مجلس شورای ملی که عقلای قوم تجتمع میکنند همین چند روز راجع بدو مسئله گرفته اند اشکال شدیم چند مرتبه هم رأی گرفتیم و بالاخره اکثریت تام پیدا نشد و قضیه بلا تکلیف ماند و اگر خواسته باشیم در انتخابات معتقد با اکثریت تام شویم هیچ وقت مجلس شورای ملی در این مملکت تشکیل نخواهد شد

بنا بر این بنده معتقد و موافقم که این ماده که در قانون پیش بوده و کسی چون هم در آن دخالتی نکرده است باید بحال خود باقی باشد و نباید آنرا تغییر داد

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم بر ماده ۳ اضافه شود بشرط آنچه آراء نماینده کمتر از نلت کل عمده آراء نباشد

محمد شاه میرزا بنده پیشنهاد میکنم ماده سیم باین ترتیب اصلاح شود: انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی است مشروط بر اینکه عمده آراء نسبی لاقول مساوی يك ربع مجموع آراء باشد

رئیس - ارسال میشود بکمیسیون ماده چهارم قرائت میشود (باین شرح خوانده شد) در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر عمده که محل حاجت باشد بحکم قرعه معین میشود (ب)

رئیس - آقای یاسانی (اجازه) یاسانی - عرضی ندارم رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - عرضی ندارم رئیس - ماده پنجم قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد)

ماده (ه) ایلات صده موافق حوزه بندی انتخاب هر کدام يك نماینده مستقیم بصورت مجلس شورای ملی میفرستند و سایر ایلات که اسم آنها برده نشده در جزو حوزه هستند رأی خواهند داد (ب) رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - بنظر بنده این قیدی که در این جا شده که ایلات عمده موافق حوزه بندی انتخابات هر کدام يك نماینده مستقیم بصورت مجلس شورای ملی میفرستند و سایر ایلات که اسم آنها برده نشده در جزو هر حوزه که هستند رأی خواهند داد

نمیدانم آقایان چه نظری دارند می خواهند بنمایند گمان ایلات توسعه بدهند یا خیر؟ مطابق حوزه بندی قانون سابق ایلات فشقانی و ترکمان و بختیاری و شاهسون و ایلات خسه این پنج ایل که نسبتاً هستند هر کدام حق يك و کبلی دارند ولی اینجا باید معین شود که ایل عمده و مهم کدام است و الا بعقیده بنده ایل سنجایی و کلهر که در اطراف کرمانشاهان سکنا دارند آنها باید نماینده در مجلس داشته باشند و همین زعفران لو که در اطراف خراسان برآکنده اند باید يك و کبلی داشته باشند

بعقیده بنده باید عمده بودن ایل را توضیح داد که يك ملاک و مدرکی داشته باشد

رئیس - آقای اشکر (اجازه) اشکر - آقای یاسانی از قرار معلوم در اصل ماده مخالفتی نداشتند فقط در موضوع تشخیص عمده بودن ایل مذا ازم فرمودند بنده گمان میکنم تشخیص عمده بودن يك ایل بستم به جمعیت آن ایل است البته هر ایلی که بیشتر جمعیت دارد بیشتر حق دارد در انتخابات دخالت و شرکت کند و به همین ملاحظه هم در دوره اول که قانون انتخابات وضع شد برای پنج ایل بزرگ که جمعیت آنها نسبتاً زیاد بود حق و کبلی معین شد و این ایلات دیگری که اسم بردن از حیث جمعیت خیلی کمتر از آن ایلاتی که برای شان حق و کبلی معین شده است البته در مملکت برای تعیین و کبلی باید يك ملاک و مدرک معینی در بین باشد

مملکت ما که تقریباً دارای سی گروه نفوس است وقتی بنا شد صدوسی و شش نفر و کبلی داشته باشد تقریباً از لحاظ تناسب برای هر صد یا نود یا هشتاد و پنج هزار نفری يك و کبلی معین شده است و البته باید ملاک مهم بودن و عمده بودن یا نبودن يك ایل را از روی همین تناسب معین و معلوم کرد و آن هم با تصویب و رأی مجلس شورای ملی خواهد بود که يك عمده معینی را برای ملاک و مدرک انتخاب نمایند معلوم کند

رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - عرضی ندارم رئیس - ماده پنجم قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد)

شیروانی - عرض میکنم بعضی از آقایان در گذراندن این قانون عجله دارند در صورتیکه صحیح نیست بدون مطالعه و به فوریت يك چنین قانون مهمی بگذرد زیرا اساس مشروطیت و حکومت ملی ما بر روی این قانون است و بعقیده بنده اگر این قانون این يك سال عمر مجلس را هم بگیرد ولی خوب بگذرد بهتر است از اینکه فوری ولی بد بگذرد نظر بنده در مخالفت با این ماده عیناً مخالف با نظر به آقای یاسانی است اولاً اگر بخواهم از روی عمده و نفرت برای ایلات و کبلی معین کنیم يك ظلمی می شود

پنج ایل که عمده اش را سدهزار نفر تعیین کرده اند آنها هم سر شماری نشده و شاید خیلی بیشتر از این باشد برای هر کدام يك و کبلی قائل شده اند ولی برای باقی ایلات حق و کبلی ملحوظ نشده است و بعقیده بنده این است که اساساً هم برای مراعات حق رأی ایلات مهم برای اینکه ایل را از شهری جدا نکرده باشیم (زیرا همه ایرانی هستیم) خوب است ایلات تقسیم شوند بر ولایات و در این صورت ممکن است يك ایل دو یا سه و کبلی ببرد و اگر ما این فکر اساسی را تعقیب کنیم می بینیم که این ترتیب منافعش زیادتر است از مضاررش

وقتی بنده کبلی بختیاری در دهان و حوزه معانی گذر آنها ساکنند بروند و رأی بدهند بحق خودشان میروند و شاید هم بجای يك نفر دو نفر و کبلی با اکثریت بیاورند و به علاوه حقوقشان هم با سایر افراد مملکت مساوی خواهند بود و سایر ایلات هم که هنوز با ایشان تعیین تکلیف نشده است به همین ترتیب از این حق استفاده میکنند یعنی ایلات این مملکت هم جزء افراد این مملکتند و مثل تمام افراد این مملکت باید شرکت کنند در هر خطه از مملکت هستند در تمام انتخابات آن خطه حق دارند شرکت کنند ولی اینکه جدا ما و کبلی بشویم اساساً صحیح نیست

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه) محمد شاه هم میرزا شیخ رئیس آن وقتی که این قانون در چهارده سال قبل گذشت علت اینکه این ایلات مخصوص را جدا کردند این بود که اینها چون بیلاق و فترت دارند و انتخابات هم موقع معینی ندارند ممکن است این بختیاری يك وقت نزدیک اصفهان باشد یا يك وقت نزدیک هرستان همین طور ایل قشقایی به این جهت حوزه انتخابیه در محل معینی برای آنها معین نشود اگر هم بخواهیم آنها را مجبور کنیم که در هر محل هستند در همان حوزه انتخابیه آن محل شرکت کنند این برخلاف ترتیب است بنده این جهت این چند ایل را جدا کرده ام اگر چنانچه این مسئله را در نظر نمی گرفتند شاید اسباب اشکال

مشه و البته ایلات هم مثل سایر اهالی مملکت می باشند و باید معرود از انتخابات نشود و اگر قریز از این بود اسباب اختلاف در امر انتخابات آنها میشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است: رئیس - مذاکرات کافی است (گفتند بلی کافی است) (ماده ششم بشرح ذیل خوانده شد) جریان انتخابات عشایر و ملل متنوعه مثل سایر انتخابات است فقط تعیین مرکز حوزه انتخابیه عشایر يك حق انتخاب یک نفر نماینده را دارند و وزارت داخله خواهد نمود (ج)

رئیس - آقای یاسانی (اجازه) یاسانی - عرضی ندارم رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - عرضی ندارم رئیس - آقای آراب کبخر و (اجازه)

آراب کبخر و - اگر چه این جا مقصود از ذکر ملل متنوعه در واقع مقصود این نیست که زردشتی ها و مسیحی ها یا کلیبی هائی که در این مملکت هستند جزو این مملکت نیستند بلکه بعقیده بنده همه اهل این مملکت و يك ملت محسوب میشوند و اگر لفظ دیگری ممکن بود بجای ملل متنوعه (که همه خودشان را تابع يك دولت و اهل يك مملکت می دانند) و کاملاً مطیع قوانین این مملکت هستند پیدا کنند که خیلی متون تر می شدیم و همین مورد قسمتی که راجع به سایر ایل کرده اند تعیین مرکز حوزه انتخابیه با وزارت داخله خواهد بود تصوری کنیم برای آنها هم لازم بود

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه) محمد شاه هم میرزا شیخ رئیس آن وقتی که این قانون در چهارده سال قبل گذشت علت اینکه این ایلات مخصوص را جدا کردند این بود که اینها چون بیلاق و فترت دارند و انتخابات هم موقع معینی ندارند ممکن است این بختیاری يك وقت نزدیک اصفهان باشد یا يك وقت نزدیک هرستان همین طور ایل قشقایی به این جهت حوزه انتخابیه در محل معینی برای آنها معین نشود اگر هم بخواهیم آنها را مجبور کنیم که در هر محل هستند در همان حوزه انتخابیه آن محل شرکت کنند این برخلاف ترتیب است بنده این جهت این چند ایل را جدا کرده ام اگر چنانچه این مسئله را در نظر نمی گرفتند شاید اسباب اشکال

مقصود از ذکر ملل متنوعه در واقع مقصود این نیست که زردشتی ها و مسیحی ها یا کلیبی هائی که در این مملکت هستند جزو این مملکت نیستند بلکه بعقیده بنده همه اهل این مملکت و يك ملت محسوب میشوند و اگر لفظ دیگری ممکن بود بجای ملل متنوعه (که همه خودشان را تابع يك دولت و اهل يك مملکت می دانند) و کاملاً مطیع قوانین این مملکت هستند پیدا کنند که خیلی متون تر می شدیم و همین مورد قسمتی که راجع به سایر ایل کرده اند تعیین مرکز حوزه انتخابیه با وزارت داخله خواهد بود تصوری کنیم برای آنها هم لازم بود

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه) محمد شاه هم میرزا شیخ رئیس آن وقتی که این قانون در چهارده سال قبل گذشت علت اینکه این ایلات مخصوص را جدا کردند این بود که اینها چون بیلاق و فترت دارند و انتخابات هم موقع معینی ندارند ممکن است این بختیاری يك وقت نزدیک اصفهان باشد یا يك وقت نزدیک هرستان همین طور ایل قشقایی به این جهت حوزه انتخابیه در محل معینی برای آنها معین نشود اگر هم بخواهیم آنها را مجبور کنیم که در هر محل هستند در همان حوزه انتخابیه آن محل شرکت کنند این برخلاف ترتیب است بنده این جهت این چند ایل را جدا کرده ام اگر چنانچه این مسئله را در نظر نمی گرفتند شاید اسباب اشکال

مقصود از ذکر ملل متنوعه در واقع مقصود این نیست که زردشتی ها و مسیحی ها یا کلیبی هائی که در این مملکت هستند جزو این مملکت نیستند بلکه بعقیده بنده همه اهل این مملکت و يك ملت محسوب میشوند و اگر لفظ دیگری ممکن بود بجای ملل متنوعه (که همه خودشان را تابع يك دولت و اهل يك مملکت می دانند) و کاملاً مطیع قوانین این مملکت هستند پیدا کنند که خیلی متون تر می شدیم و همین مورد قسمتی که راجع به سایر ایل کرده اند تعیین مرکز حوزه انتخابیه با وزارت داخله خواهد بود تصوری کنیم برای آنها هم لازم بود

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه) محمد شاه هم میرزا شیخ رئیس آن وقتی که این قانون در چهارده سال قبل گذشت علت اینکه این ایلات مخصوص را جدا کردند این بود که اینها چون بیلاق و فترت دارند و انتخابات هم موقع معینی ندارند ممکن است این بختیاری يك وقت نزدیک اصفهان باشد یا يك وقت نزدیک هرستان همین طور ایل قشقایی به این جهت حوزه انتخابیه در محل معینی برای آنها معین نشود اگر هم بخواهیم آنها را مجبور کنیم که در هر محل هستند در همان حوزه انتخابیه آن محل شرکت کنند این برخلاف ترتیب است بنده این جهت این چند ایل را جدا کرده ام اگر چنانچه این مسئله را در نظر نمی گرفتند شاید اسباب اشکال

سر دار عشایر - خیر کافی نیست رئیس - آقای سردار عشایر بین اشخاصی که اجازه خواسته اند هفتگی هستند

سر دار عشایر بنده در این جاذی حکم هر وقت اجازه بفرمایید صحبت می کنم رئیس - آقای دست عیب (اجازه) دست عیب - لفظ ملل متنوعه يك لفظی است اصطلاحی و معنی اثر این نیست که ملل متنوعه جزء ملت ایران نیستند رئیس - موافقید یا ماده دست عیب - خیر مخالفم خواستم کلمه ملل متنوعه را معنی کنم رئیس - مخالفان را بفرمائید دست عیب - بسیار خوب علی ای تقدیر در آنجا اظهار کرده و در اقلیت واقع شدم در این جا هم تکرار میکنم بنده عقیده ام این است که ماده شش زائد است بواسطه این که عشایر و ملل متنوعه باین تعبیر که هست پدست زیرامل متنوعه هم جزء همین ملتند

یک جا ملل متنوعه - يك جا عشایر ذکر کردن مثل این است که بگوئیم دو دوتا چهارتا و بعقیده بنده اساساً ضرورتی ندارد این مسئله نوشته شود چون همه يك ملتند این استثنائی را که این ماده قائل شده است بین ملل متنوعه و عشایر و سایر افراد این مملکت زائد است و بنده بعقیده دارم قانون انتخابات بدون استثناء باید باشد راجع بهر که می خواهد باشد

بنابر این این قید زیادی است و اسباب اشکال و سوء تعبیر خواهد شد اگر آقای مخبر معترض قبول میفرمائید خوب و الا پیشنهاد می کنم مخبر - آقای نماینده معترض بشهر همین فرمایشات را در کمیسیون فرموده اما راجع بکلمه ملل متنوعه این کلمه نیست که ما اختراع کرده باشیم و کلمه خوبی هم هست اگر چیز دیگری بنظرشان می رسد بفرمایند ما هم قبول می کنیم

ولی راجع با انتخابات عشایر سابقاً این شکل نبوده مخصوصاً راجع بعشایر انتخاباتشان عشیره ای بود که رؤسای ایل جمع می شدند و يك نفر را انتخاب می نمودند و اعتبارنامه بدستن می دادند و می فرستادند و مثل شهرها نبود از این جهت تصریح شد که جریان قانون در همه جا مثل هم باشد و آنها هم یاد بگیرند آنطوری که در شهرها هست و اصول مساوات بین ایل یکی و خان و سایرین مراعات شده باشد باین نظر باینطور نوشته شده

(بعضی گفتند - مذاکرات کافی است) معلوم شده ولی برای بسیاری چون بیلاق و فترت دارند و انتخابات هم موقع معینی ندارند ممکن است این بختیاری يك وقت نزدیک اصفهان باشد یا يك وقت نزدیک هرستان همین طور ایل قشقایی به این جهت حوزه انتخابیه در محل معینی برای آنها معین نشود اگر هم بخواهیم آنها را مجبور کنیم که در هر محل هستند در همان حوزه انتخابیه آن محل شرکت کنند این برخلاف ترتیب است بنده این جهت این چند ایل را جدا کرده ام اگر چنانچه این مسئله را در نظر نمی گرفتند شاید اسباب اشکال

سر دار عشایر - خیر کافی نیست رئیس - آقای سردار عشایر بین اشخاصی که اجازه خواسته اند هفتگی هستند

سر دار عشایر بنده در این جاذی حکم هر وقت اجازه بفرمایید صحبت می کنم رئیس - آقای دست عیب (اجازه) دست عیب - لفظ ملل متنوعه يك لفظی است اصطلاحی و معنی اثر این نیست که ملل متنوعه جزء ملت ایران نیستند رئیس - موافقید یا ماده دست عیب - خیر مخالفم خواستم کلمه ملل متنوعه را معنی کنم رئیس - مخالفان را بفرمائید دست عیب - بسیار خوب علی ای تقدیر در آنجا اظهار کرده و در اقلیت واقع شدم در این جا هم تکرار میکنم بنده عقیده ام این است که ماده شش زائد است بواسطه این که عشایر و ملل متنوعه باین تعبیر که هست پدست زیرامل متنوعه هم جزء همین ملتند

یک جا ملل متنوعه - يك جا عشایر ذکر کردن مثل این است که بگوئیم دو دوتا چهارتا و بعقیده بنده اساساً ضرورتی ندارد این مسئله نوشته شود چون همه يك ملتند این استثنائی را که این ماده قائل شده است بین ملل متنوعه و عشایر و سایر افراد این مملکت زائد است و بنده بعقیده دارم قانون انتخابات بدون استثناء باید باشد راجع بهر که می خواهد باشد

عرایض بنده را هم فرمودند بنده هم این ماده را اصلاحاً میدانم و این مذاکراتی که در اطراف این ماده میشود اساساً ضرورت ندارد

که کمیسیون يك ماده باین طریق وضع کند که این قدر مورد بحث و مذاکره واقع شود و بطوری که بعضی از آقایان فرمودند عشایر ولایات مرکز آنها کاملاً معلوم است در فترت و بیلاق هر کدام مرکز ذی دارند همین و بنده میدانم مثلاً مرکز ایلات شاهسون گرخ است و هیچ مرکز دیگری ندارد و لزومی ندارد که کمیسیون يك ماده برای این مسئله وضع کند در همان جدولی که تنظیم میکند ممکن است در آن جدول برای اصلاح خاطر نمایندگان مرکز انتخاب ایلات را هم معین کند و بتعریف وزارت داخله هم لزومی ندارد که در موقع انتخابات بوزارت داخله مراجعه کنند و از آنها استیضاح کند

این تفصیلات هیچ لازم نیست مراکز آنها هم معلوم و روشن است علاوه اینکه گفته میشود وزارت داخله باید تعیین مرکز انتخابات را بنماید شاید (فرض است و معالجه نیست)

ممكن است وزارت داخله يك جهاتی تمام و تمامل در انتخابات آنها بکنند و سوزده را که باید مرکزیت پیدا کند و در آنها انتخابات عشایر جریان داشته باشد معلوم نکند که کدام حوزه است اگر اینطور باشد ممکن است عشایر محروم از انتخابات شوند و ضرورتی هم ندارد نوشته شود و بنده اساساً با این ماده مخالفم و پیشنهاد هم کرده ام این ماده حذف شود

معتبران نظری را که کمیسیون داشته است با موافقت نماینده وزارت داخله بوده که این نظر را گرفته است و قانوناً انتخابات ملل متنوعه و عشایر یعنی تعیین مرکز انتخابات سابقاً با وزارت داخله بوده و در این دوره هم نمایندگان ملل متنوعه که در مجلس هستند با ترتیبات سالهای گذشته انتخاب شده اند ولی در این چند دوره وزارت داخله توانسته يك اطلاعاتی پیدا کند و مرکز برای انجمن نظار و شعب آنها نسبت به ملل متنوعه معین کند اما راجع بعشایر نماینده وزارت داخله در کمیسیون گفت که ما نمیتوانیم تعیین کنیم

اینها کدام نقطه باید انتخاباتشان بجز این بیفتند چون اینها بیلاق و فترت دارند و باید مرکز را در آنجا تعیین کنند بیشتر در آن تجتمع میکنند فراردهیم و در سایر نقاط شعب معین کنیم و در فصول مختلفه هستند نمی شود برای اینها حوزه انتخابیه در جدول معین کرد

ولی برای این کار اگر آقایان اطلاعات بیشتری دارند خوبست بنویسند بفرستند

محمد ولی میرزا - بلی رئیس - بفرمائید محمد ولی میرزا - بطوریکه آقای دست عیب اظهار کردند و يك قسمت از

محمد ولی میرزا - بلی رئیس - بفرمائید محمد ولی میرزا - بطوریکه آقای دست عیب اظهار کردند و يك قسمت از

یکمسیون ویا نماینده وزارت داخله هم مذاکره شود
 اگر نتوانستند قبول میکنند ولی در صورتیکه نتوانیم تعیین جدول کتبه در این صورت مجبوراً باید اختیار را بدولت داد .
 (جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است)
 رئیس - مذاکرات کافی است؟
 بعضی از نمایندگان - بلی کافی است .
 رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)
 ۱- بنده پیشنهاد میکنم ماده شش بترتیب ذیل نوشته شود .
 ماده ۶- جریان انتخابات عشا و همچنین زردشتیان ورامت و کلبیان ایران مثل سایر انتخابات فقط تعیین مرکز حوزه انتخابیه آنان با وزارت داخله خواهد بود شریعت زاده .
 ۲- حقیر پیشنهاد مینمایم که درماده شش از قانون انتخابات حذف شود ضیاءالواعظین
 رئیس - پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس قرائت میشود .
 محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بنده پیشنهاد را عوض میکنم .
 رئیس - آقایان کازرونی و شاهزاده محمد ولی میرزا هم پیشنهاد کرده اند این ماده حذف شود .
 پیش نهاد آقای شیروانی .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم ماده شش اینطور اصلاح شود .
 ماده شش- جریان انتخابات زردشتیان و کلبیان و مسیحیان مثل سایر انتخابات است .
 رئیس - پیش نهاد شاهزاده شیخ الرئیس .
 (شرح آتی خوانده شد)
 در عوض ملل متنوعه نوشته شود ایرانیان زردشتی کیش و ایرانیان بیرون آئین مسیح و ایرانیان اهل توره .
 حاج آقا اسمعیل عراقی- بنده هم پیش نهادی داده بودم قرائت نشد .
 رئیس - بلی .
 آقای عراقی و آقای تقی زاده پیش نهاد کرده اند در عوض ملل متنوعه نوشته شود ایرانی غیر مسلم .
 حاج آقا اسمعیل - توضیح بدهم؟
 رئیس - در شور اول در پیشنهاد مذاکره نمی شود .
 ماده هفت .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۷- هر یک از انتخاب کنندگان زیاده بر یک مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتیکه تجدید انتخاب لازم

شود - دادن رأی مغفی خواهد بود
 رئیس - مغافی ندارد؟
 بعضی از نمایندگان - خیر
 بعضی از نمایندگان - تنفس بدهید .
 رئیس - آقایان تنفس میخوانند؟
 جمعی از نمایندگان - بلی .
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل دیگر تشکیل نگردید)
 رئیس مجلس شورای ملی
 موتن الملک
 منشی علی اقبال الملک
 منشی معظم السلطان
 جلسه علمی هشتاد و شش
 صورت مشروح مجلس
 یوم شنبه بیستم جدی هزار و سیصد و سه مطابق چهاردهم شهر جمادی الثانیه هزار و سیصد و چهل و سه
 مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم پنجشنبه هیجدهم جدی را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند)
 رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
 سلطان العلماء - بنده زیر روز نیم ساعت قبل از وقت حاضر بودم مع هذا بنده را جزو دیر آمدگان بی اجازه نوشته اند
 رئیس - تحقیق میشود . آقای مشیر معظم (اجازه)
 مشیر معظم - بنده قبل از دستور عرض دارم
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - درمجلسه تا آنکه در آوردن بودجه سال آتی در جلسه قبل بنده اظهاراتی کردم و در صورت مجلس نوشته نشده چون این موضوع اهمیت داشت استدعا می کنم مقرر فرمائید نوشته شود .
 رئیس - اضافه می شود
 آقای امیر احتشام (اجازه)
 خان از مقام محترم اجازه خواسته بودند ولی در صورت مجلس ایشان را غائب بی اجازه نوشته اند
 رئیس - این هم تحقیق می شود .
 دیگر ایرادی نیست
 (اظهاری نشد)
 رئیس - آقای مشیر معظم (اجازه)

مشیر معظم - چند جلسه قبل آقای تدین راجع بسبیل زدگان بیرجند و فانات اظهاراتی نمودند عجالتاً هم یک تلگراف دیگری از اهالی تون رسیده که در لیل دوم جدی سبیل عظیمی آمده و فریب سبیل نفر بی خانمان شده اند شش رشته قنات هم بکلی مسلوب المنفعه شده و بنده خواستم آقایان نمایندگان محترم تذکره بدهم که باید دولت و مجلس در این باب یک فکر اساسی بکنند
 (بعضی از نمایندگان صحیح است)
 چون تمام سکنه آن حدود چهار سبیل شده و در این موقع زمستان گرفتار فقر و پریشانی شده و باید زودتر یک فکر اساسی برای این کار کرد
 (جمعی از نمایندگان صحیح است)
 رئیس - وارد دستور می شویم . قبلاً پیشنهاد آقای یاسائی راجع بمواد شصت و شش و شصت و هفت و هفتاد و یک قانون استخدام مطرح است . مذاکرات راجع به کلیات است آقای کازرونی (اجازه)
 یک نفر از نمایندگان - خیر
 رئیس - آقای دست غیب (اجازه)
 دست غیب - عرضی ندارم
 رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
 حائری زاده - اصل برای این کار کمیونی همین شده بود که کلیه این قانون را در تحت نظر گرفته و اصلاح کنند حالا یکی دو ماده را بدون مطالعه در مجلس تصویب کردن نمی دانم چه صورتی دارد و ممکن است این مواد ارتباط با سایر مواد داشته باشد و بعد از تصویب اسباب زحمت شود و بنده این را کار خوبی نمی دانم از قراری هم که اطلاع یافته ام
 راپرت کمیسیون تقریباً اختتام یافته و تقریب تقدیم مجلس خواهد شد . بنا بر این اگر صلاح می دانید از دستور این جلسه خارج شود تا راپرت آن از طرف کمیسیون داده شود .
 رئیس - آقای شریعت زاده
 شریعت زاده - خواستم خاطر محترم آقایان صاحبان طرح را متوجه سازم این که کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام و وظایف خودش را انجام داده و راپرتش هم حاضر شده است
 فقط لازم بود که یک مرتبه دیگر کمیسیون تشکیل شده و راپرت قرائت شده بعد تقدیم مجلس شود و تمام این موادی که مورد نظر آقایان است مطالعه اصلاح شده و در ضمن بنظر آقایان میرسد .
 بنا بر این تصور می کنم اگر اجازه بفرمائید از دستور خارج شود بهتر باشد و وقتی که خبر کمیسیون تقدیم

مجلس شد آقایان نظریات خودشان را در آن موقع بفرمایند .
 رئیس - باید پیشنهاد شود که از دستور خارج شود .
 چون آنروز مطابق نظامنامه آقای یاسائی تقاضا کردند جزو دستور شود رأی هم داده شد اگر لازم بود مطرح شود ممکن بود در همان موقع رأی داده نشود ولی حالا که جزو دستور شده است خارج نمی شود مگر اینکه پیشنهاد شود .
 بعضی از نمایندگان - صحیح است .
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - بنده خواستم در جواب آقای حائری زاده و شریعت زاده عرض کنم چه منافاتی دارد فعلاً که جزو دستور است مطرح شود ؟
 شاهزاده شیخ الرئیس - وقت مجلس تلف میشود .
 آقا سید یعقوب - البته باید وقت مجلس صرف شود اینجا هم مجلس است مسجد که نیست
 عرض می کنم که مجلس نسبت بیکی دو ماده از قانون استخدام نظر راپرتی داشت و ایراداتی در نظرش بود آنمواد را فرستاد بکمیسیون کمیسیون هم وظیفه خودش را انجام داده و تصوری بکرده است حالا هیچ منافاتی ندارد که مجلس وارد در مذاکره این دو ماده . بنده بخواهم نظر می کند و رأی شریعت زاده مشیر کمیسیون راپرت دادند مجلس نسبت به بقیه هم نظر می کند و رأی می دهد همین نظری که آنروز مجلس باید اتخاذ کند راجع باین دو ماده امروز اتخاذ می کند .
 علاوه رأی داده شده که جزو دستور شود .
 آن راپرت کلی هم که از طرف کمیسیون داده می شود مگر غیر از اینها است آن راپورت کلی هم منطبق بر این مواد است و حالا مجلس میخواهد سه یا چهار تا از آن موادی تحت نظر قرار بدهد و وقتی راپرت کلی از طرف کمیسیون داده شد نسبت به بقیه هم اتخاذ نظر می کند ابتدا هم خارج از نظامنامه نیست و منافاتی ندارد که در این خصوص مذاکره شود دلیلی هم ندارد که از دستور خارج شود .
 رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده .
 (اینطور قرائت شد)
 چون کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام وظایف خودش را انجام داده و مواد پیشنهادی آقای یاسائی را نیز اصلاح نموده و ناچار خبر کمیسیون باید در مجلس مطرح شود پیشنهاد می کنم آقای یاسائی در دستور خارج شود .
 شیروانی - بنده مخالفم
 رئیس - بفرمائید .

شیروانی - چیزیکه بکمیسیون ارائه شد دو قسمت بود یکی طرح قانونی راجع به تجدید نظر در قانون استخدام یکی هم طرح پیشنهادی آقای یاسائی راجع باین دو ماده مخصوص و بقیه بنده اصلاح بنده نظر در قانون استخدام برای همین دو ماده بوده است که اسباب زحمت و اشکال شده بود همین دو ماده بود که چند روز قبل اسباب اختلاف بین آقای تدین و وزیر مالیه شد و ایشان نظرشان این بود که این ماده باید شکل دیگر تقسیم شود و وزیر مالیه هم نظرشان طور دیگر بود و بالاخره حل نشد و همینطور مشته بود و به مختلف مانده و زارتها هم مطابق میلشان هر کدام مواد را تفسیر می کنند و وزارت مالیه یک طور و وزارت خارجه طور دیگر و همینطور سایر وزارتها این است که بنده کاملاً مخالف با خروج از دستور هستم .
 آقایان ممکن است طرح را مطالعه نکرده باشند ولی من الان قانون را نگاه کردم .
 دیدم چیز خیلی مشکلی نیست اینجادرش حرف زده میشود و بالاخره تکلیف دولت و وزارتخانهها معلوم میشود که چه باید بکنند .
 قرض بفرمائید الان بودجه سال آتی را می خواهند باورند به مجلس .
 آخر از روی چه ترتیبی تطبیق کنند با قانون استخدام زیرا الان این ماده محل اختلاف است بین دولت و مجلس لهذا بنده موافقم که همین امروز در مجلس مطرح شده و زودتر تکلیف دولت معلوم شود .
 رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای شریعت زاده برای خروج از دستور آقایانیکه موافقت فرمائید .
 (جمع گیری قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 لایحه معافیت ماشینهای فلاحتی و صنعتی از تأدیبه حقوق گمرکی مطرح است شور دومش است .
 ماده اول قرائت می شود .
 (شرح آتی قرائت شد)
 ماده اول - کلیه ماشینهای فلاحتی و صنعتی ویا قطعات آنها از تاریخ تصویب این قانون نادمه سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود .
 تبصره - معافیت فوق شامل ماشینهای ذیل و قطعات آنها نیست .
 ماشینهای خیاطی . قیطان دوزی .
 فلاپ دوزی . و ماشین آرزو . ماشینهای طبع . گراور و صحافی . ماشینهای توتون بری و گیلز سازی . ماشینهای جوراب بافی . ماشینهای مربوط بطبع خبر از کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی . کمیسیون قوانین مالیه در جلسه ۱۴ جدی ماده الحاقیه پیشنهادی آقای تقی زاده را که راجع بمعافیت وسایل نقلیه چرخ دار بود مورد مطالعه قرار داده بترتیب

ذیل برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید .
 بار گشای موتور دار مطلقاً و تومبیل های سواری در صورتیکه قدمت آنها بیشتر از هزار تومان نباشد از تاریخ تصویب این قانون نادمه سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهند بود .
 رئیس - (خطاب بداور مخبر کمیسیون قوانین مالیه) این خبر ثانوی ماده علی بنده است که پیشنهاد کرده ام .
 مخبر - بله در شورای پیشنهادی از طرف همه از آقایان نمایندگان مخصوصاً از طرف آقای تقی زاده تقدیم شد بکمیسیون ارجاع شد راجع باینکه ماشینهای چرخ دار و وسایل حمل و نقل موتور دار - از تأدیبه حقوق گمرکی معاف باشد .
 در کمیسیون هم اینطور تصمصیم گرفته شد که معافیت برای کامیون و اتوموبیل های بارکش فراهم و از تأدیبه حقوق گمرکی معاف باشد .
 عده از اعضای کمیسیون هم پیشنهاد کردند . راجع با تومبیل که آنچه جزو وسایل نقلیه چرخ دار است و باید معاف شود این بود که کمیسیون اینطور تصمصیم گرفت قرض بفرمائید الان بودجه سال آتی را می باشد آنها از تأدیبه حقوق گمرکی معاف باشند و از تومبیلها هم که بیشتر قیمت دارد و تحملی است حقوق گمرکی گرفته شود و بالاخره این راپرت تهیه و تقدیم شد .
 رئیس - مقصود بنده این است که این ماده یکی باید تصمصیم شود ؟ ماده اول شود یا ماده دوم ؟ داور ماده دوم
 رئیس - قسمت دیگر این راپرت چه طور ماده سوم باید شود ؟
 داور - بلی قسمت دومش باید ماده سوم شود .
 رئیس - با انعمل ماده اول مطرح است (شرح سابق بدون تبصره قرائت شد)
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - موافقم
 رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
 یاسائی - اینجا نوشته شده است کلیه ماشینهای فلاحتی و صنعتی و یا قطعات آنها ای است که اصطلاحاً بآنها ماشین گفته میشود ولی آنها هم برای فلاحتی خیلی لازم است و در نظر هم هست که آنها معاف باشند .
 بنا بر این بهتر این بود که اینطور نوشته می شد (پیشنهادی هم تقدیم نمودم در این زمینه) کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی مثلا یک قسم داسهائی هست که برای امر فلاحتی خیلی لازم است و نمیشود بآنها گفت ماشین - در هر صورت نظر بنده این است که آنها هم

از حقوق گمرکی معاف باشد و بطور کلی نوشته شود کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی و صنعتی - اینطور بهتر خواهد بود
 مخبر - کمیسیون بنا نظر آقای یاسائی موافقت دارد که ادوات هم نوشته شود .
 آقا سید یعقوب - بنده مخالفم اجازه مینمائید ؟
 رئیس - موقعیکه پیشنهادها قرائت میشود آنوقت ممکن است بفرمائید آقای تدین (اجازه)
 تدین - بنده با اصل ماده موافقم .
 رئیس - آقای اخگر
 اخگر - موافقم .
 رئیس - آقای محمد ولی میرزا . موافقم
 رئیس - آقای اجاق .
 احاق - بنده هم موافقم .
 رئیس - آقای طهرانی - شما هم موافقت .
 آقا شریعت زاده
 آقا شریعت زاده - بنده با اصل ماده موافقم .
 رئیس - دیگر مغالطی نیست ؟
 رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .
 (شرح آتی قرائت شد)
 ۱ - بنده پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور اصلاح شود .
 کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی و صنعتی و یا قطعات آنها ای است که اصطلاحاً بآنها ماشین گفته میشود و یا ماشینهای طبع گراور و صحافی نیز از حقوق ورودی گمرک معاف گردد . ضیاءالواعظین
 رئیس - آقای یاسائی که توضیحی ندارند .
 یاسائی - خیر قبلاً توضیح دادم
 مخبر - پیشنهاد آقای یاسائی یک مرتبه دیگر قرائت شود
 (شرح فوق قرائت شد)
 مخبر - بنده در قسمت راجع فلاحتی موافقم که ادوات فلاحتی اضافه شود ولی راجع بقسمت صنعتی قبول نمی کنم زیرا آنوقت باعث میشود که تمام ادوات صنعتی را از خارجه بدون تأدیبه حقوق گمرکی وارد نمایند .
 یاسائی - بنده هم قبول میکنم همان ادوات فلاحتی نوشته شود .
 رئیس - آقای ضیاءالواعظین (اجازه)
 ضیاءالواعظین - بنده در این خصوص توضیح زیادی لازم نمی دانم .
 غالب آقایان متوجه هستند که شایه های ایران چندر محتاج است بماشینهای طبع و گراور و صحافی و برای تممیم معارف و

نشر و بیشرت علوم چندر اهمیت دارد در غالب شهر های ایران هنوز ماشین های سنگی و دستی دایر است .
 در شهر از مثلا دو سه روزنامه هست که بماشین سنگی طبع می شود و هنوز وسایل طبع حروفی برایشان فراهم نیست این هست که بنده پیشنهاد کردم بماشین طبع و صحافی و گراور از حقوق گمرکی معاف باشند قسمت مهمی هم ندارد و ببقیه بنده اگر آقای مخبر با آن شوق و رغبت که در ترویج و تممیم معارف دارند قبول کنند خیلی خوب است .
 مخبر - بنده خیلی تشکر میکنم از اظهارات آقای که آقا هم داند ولی نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم چون غالب ماشین ها و چیزهایی که از ادوات با ماشینها از ماشینی که صرفاً احتیاج مردم است و تحملی البته هم صرفاً احتیاج مردم است و هر کدام یک منافع و خواصی دارد ولی اگر اینها را راجع بفلاحتی و صنعتی بخصوص بک توجه خاصی شده است برای این است که مردم شوق پیدا کنند از این ماشینها بیاورند و با اقتصادیات مملکت کمک کنند تا ترقی کنند .
 ولی در ضمن باید مواظب بود که عایدات دولت هم که یک قسمت از آن هم آید گمرکی است که بشود و از طرفی دیگر راجع بماشین های طبع و غیره همین ماشین های که داخل در ایران شده است و مردم بآن عادت کرده اند بالاخره خود شر در عمل تولید یک حسن رقابت می کنند و آنها هم که حالا بماشین های دستی کار می کنند دستگاهها را می فروشند دستگاه ماشین جدیدی بود که تصور می کنند در این خصوص همان رقابت تجاری آنها را تشویق می کند که ماشین طبع و گراور و صحافی بیاورند .
 الان هم خیلی زیاد است و در بعضی جاهای هم ندارند گمرک هم بدهد هیچ اهمیتی ندارد .
 رئیس - رأی میکنیم . قابل توجه بودن پیش نهاد آقای ضیاءالواعظین
 آقا سید یعقوب - بنده نسبت بپیش نهاد آقای یاسائی عرض نکردم مخالفم ؟
 رئیس - این پیش نهاد آقای ضیاءالواعظین است .
 پیشنهاد آقای یاسائی را مخبر قبول کردند عضو کمیسیون هم گویا با شرفی رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیش نهاد آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمائید .
 (عده تقبلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . ماده اول قرائت می شود رأی می گیریم .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۱ - کلیه ماشینها و ادوات فلاحتی و یا قطعات آنها و ماشین های صنعتی و یا قطعات آنها از تاریخ تصویب این قانون

تاده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود.

قدیمی بنده پیشنهاد اصلاحی دارم. رئیس - بفرمائید

قدیمی بنده این جا نوشته شده است کلبه ماشین ها و ادوات فلاحتی و با قطعات آنها.

بنده عقیده ام این است نوشته شود ماشین های فلاحتی و ادوات آن چون ممکن است از اجزای ماشین ها و ادوات فلاحتی معنی درست استفاده نشود و اگر نوشته شود ماشین های فلاحتی و ادوات آنها بهتر خواهد بود.

رئیس - ماشین های فلاحتی و ادوات (بعضی از نمایندگان صحیح است) یاسائی - اجازه بفرمائید رئیس - اگر اصلاح عبارتی دارید بنویسید.

یاسائی - آن ترتیبی که آقای تدین فرمودند بعقیده بنده بیشتر اشتباه میشود. اگر نوشته شود ماشین های فلاحتی و ادوات آن ممکن است تعبیر شود با ادوات همان ماشین.

در صورتیکه مقصود بنده که پیش نهاد کردم و آقای مغیر هم که قبول کردند ادواتی است که مربوط با فلاحتی از قبیل داس و غیره که عرض کردم این ترتیبی که آقای تدین فرمودند بهتر است.

مخبر - ممکن است نوشته شود کلبه ماشین های فلاحتی و ادوات فلاحتی و قطعات آنها.

رئیس - پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت می شود.

(این طور خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم که عبارت بدون ادوات فلاحتی نوشته شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقایان بنده حمله نفرمائید ما باید در جهت افراط و تفریط واقع نشویم.

ماشین را هنوز در ایران درست نمیتوانند بسازند این است کمی گوئیم باید آنها را از خارجه بیآورند بنده هم موافقم که هر طور باشد باید وسایل تسهیل ورود این ماشین ها را فراهم کرد.

آقای دیگر نمیتوانیم دست تمام آنهاگر های خودمان را بنده هم چون وقتی بنده ادوات فلاحتی از قبیل داس و اسباب گاو آهن و تمام این چیزها را از فرانک بیآوریم پس این آنهاگر های خودمان چه بکنند؟ الان بنده چند در ایران آنهاگر هست بکلی اینها صندیشن از بین میرود و بقدری از ادوات فلاحتی در این مملکت می ریزند که کارگران مایکاز می شوند بنابراین بنده معتقدم آن چیزهایی را که

نداریم از قبیل کارخانه ماشین بیآوریم ولی آن قسمت هایی را که خودمان داریم مثل داس و گاو آهن و غیره و خودمان میتوانیم درست کنیم دیگر آنها را چرا از خارجه بیآوریم.

بنابر این خوب است نه جهت افراط را بگیریم نه جهت تفریط را.

بلی ماشین را موافقم ولی نسبت با ادوات خوب است ملاحظه کارگرهای خودمان را هم بکنیم.

بنابر این دلایلی که عرض کردم با ادوات مخالف هستم.

رئیس - رأی می گیریم بقبایل توجه بودن پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب. آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمائید.

(عده قلبی قیام فرمائید)

رئیس - قیام توجه نشد. آقای مشار اعظم پیشنهادی که کرده اند در واقع همین بود کرد شد.

مشار اعظم - بلی همینطور است.

رئیس - ماده اول قرائت می شود (این طور خوانده شد)

کلبه ماشین های صنعتی و قطعات آنها و نیز کلبه ماشین ها و ادوات فلاحتی و قطعات آنها از تاریخ تصویب این قانون تاده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهند بود.

رئیس - رأی می گیریم

مجلس سب - مدرس اجازه می خواهم بنده پیش نهاد دارم ده سال را زیاد بماند.

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمائید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

تبره ماده دوم می شود این که ماده را که اخیراً کمیسیون پیشنهاد کرده است آن را ماده دوم کنیم. بهما رسد نسبتاً را برای آخر بگذاریم.

مخبر - بلی - این ترتیبی که فرمودید بهتر است.

ماده دوم ماده جدید پیشنهادی کمیسیون باشد.

رئیس - ماده دوم قرائت می شود (این طور قرائت شد)

ماده دوم - بارکش ها موتوردار مطلقاً و انومیل های سواری در صورتیکه قیمت آنها بیش از هزار تومان نباشد از تاریخ تصویب این قانون تاده سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود.

رئیس - آقای سالار اشکر (اجازه)

سالار اشکر - بنده با این ماده مخالفم برای اینکه این ماده حقوق گمرک را کم می کند و خواهد کرد چون اشخاصی که استطاعت آوردن انومیل بنده معتقدم آن چیزهایی را که

آن را هم میتوانند بیورند و بهتر انومیلی تقریباً دو سه و سیصد تومان حقوق گمرکی تعلق میگیرد نمی شود این ماده را تصویب کرد چون بکلی یک قسمت از عایدات گمرک از بین می رود و ممکن است همین انومیل ها لو کس باشد.

مخبر - بنده نظری را که کمیسیون در این موضوع پس از پیشنهاد آقای تقی زاده ملاحظه داشت عرض آقایان رساندم. نظر کمیسیون و همچنین آقای تقی زاده که بودند.

این بود که سعی شود تا بواسطه مختلفه حمل و نقل جدید و ماشین های موتوردار و غیره وارد در مملکت شود و زیاد شود و البته یکی از وسائل زیادی ارزانی آنست و یکی از وسائل ارزانی آنهم این است که از حقوق گمرک معاف باشد.

وقتی که گمرک از آنها گرفته نشد طبعاً ارزان و فراوان میشود و این وسائل نقلیه جدید در مملکت زیاد میشود.

باین مناسبت کمیسیون این موضوع را بدو قسمت تجزیه نموده

یکی بارکشها و ماشین های موتوردار است از قبیل کامیون و بارکشهای کوچک و بزرگ که موتوردار است قرار شد از حقوق گمرک تاده سال معاف باشد یکی هم راجع با انومیل که حضرت والا بفرمائید لو کس است که آنرا هم کمیسیون قرار گذاشت تا هزار تومان از قیمت از حقوق گمرکی معاف باشد و به عقیده کمیسیون انومیل هایی که قیمت آنها تا هزار تومان است لو کس نیست و انومیل های فرد کوچک است که برای حمل و نقل خیلی مفید است.

در حال نظر کمیسیون این بود که عرض کردم حالا آقایان مختارند اگر مساعداً با این نظر هستند که سعی شود بواسطه مختلفه وسائل نقلیه جدید و ماشین های موتوردار بملکت وارد شود رأی می دهند اگر هم صلاح نمی دهند رأی نمی دهند در هر صورت از نقطه نظر عایدات گمرکی ملی انجمله سکتی زیادی وارد نمی آورد چون الان مقدار زیادی انومیل وارد و از مملکت نمی شود.

و بعقیده کمیسیون منقعت معاف کردن بیشتر از منافع گمرکی آن است حالا اگر آقایان موافقت ندارند البته میتوانند رأی دهند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در دو جزء این ماده مخالفم.

اولاً راجع بنده سال که خیلی زیاد است تا بزرگ راجع ایرادی که آقای سالار اشکر فرمودند.

بنده هم همان را تعقیب میکنم و اساساً بنده موافقم با آنچه که راجع بعمل

و نقل بار باشد.

اما عبارت دیگر وسائل نقلیه که مهم است از حمل بار یا انسان بنده بکلی مخالف آن هستم.

ولی آن چیزی که از برای حمل و نقل بار باشد موافقم.

اما آیدیم راجع با انومیل فرض فرمائید آن انومیل هایی که هم برای فرد باشد آن انومیل هایی است که خیلی گران است و میگویند اردها و وار می شوند و آنها هم در ایران خیلی کم است منتهی چهار تا الی پنج تا بیشتر نیست مابقی از هزار تومان قیمتشان کم تر است و اگر بنا شود در این باب بیانیته اجازه بدهیم و باین طور اسباب تسهیل قابل بشویم و دوزر زده ایم یکی باصل سرمایه مردم چون طبیعتاً (حسارت است خودم هم ایرانی هستم) ما از آنها علم اکونومی و قناعت و علم زندگی را نداریم همه مان می خواهیم توی انومیل بنشینیم و میگوئیم انومیل بخر چهار صد تومان که بیشتر نیست همیشه ندارد و در ضمن بهترین هم صرف کرده ایم بگشت پول خودمان را هم داده ایم به کارخانه و زود تودر در هر دو سال هم خراب میشود.

این اولاً و ثانیاً وقتی که بنا بشود به فرمایش خودتان این انومیل ارزان شود مسلماً ما از این زیاد وارد میکنیم زیاد که وارد کردند در گمرک هم باید جلوش را بگیریم؟

خوب است توجه نمایم نقصان عوائل مملکت این بزرگ منشی و خواجها تا شاینها سال دیگر برای ما عوائل باقی نماند زیرا هر جا میرسیم معاف میکنند می بخشیم آنوقت می خواهیم عوائل مملکتمان هم زیاد باشد.

پس عقیده بنده این است که نسبت با انومیل هیچ معافیت نباشد و یا اگر دشان می خواهد معاف باشد دو سال پس است دیگر ده سال چرا؟

مخبر - در قسمتی که راجع است به بارکش ها بنده هم شخصاً هم نظر کمیسیون را می دانم که فوق العاده اهمیت می دهند بارکشهای موتوردار و گمان می کنم توضیح دیگری هم لازم نباشد در قسمت دیگر هم نظیر این بوده است که وسائل نقلیه ترویجی شده باشد و در کمیسیون هم پیش نهاد شده است و کمیسیون هم قبول کرده است و راجع به این قسمت واکتار می کنم برای مجلس و ممکن است در موقع رأی این مسئله را بدو قسمت تجزیه کنند و رأی بگیرند.

رئیس - آقای زعیف (اجازه)

زعیف - بنده مخالف بودم ولی باین ترتیب که آقای داور فرمودند دیگر مذاکرات را کافی می دانم و خوب است داخل پیش نهادها

باشند لو کس است و باید گمرک در محل گمرک گرفته شود

رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - بنده هم مخالفم ولی حالا که بنده بطور تجزیه رأی گرفته شود عرضی ندارم

رئیس - مذاکرات کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلی

فائیم مقام کافی نیست

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است. چند فقره پیش نهاد رسیده است قرائت می شود.

(شرح آتی قرائت شد)

۱- بنده پیش نهاد می کنم ماده دوم بشرح ذیل اصلاح شود:

بارکشهای موتوردار از تاریخ تصویب این قانون تا پنج سال از حقوق ورودی گمرک معاف خواهد بود

۲- میرزا شهاب پیش نهاد میکند در ماده ۲ ممدت پنج سال منظور شود.

۳- بنده پیش نهاد میکنم انومیل های سواری حذف شود

۴- این جانب پیش نهاد میکنم هزار تومان تبدیل بشصده تومان بشود

شیخ محمد علی طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - نظر بنده این است که نسبت به اشخاص موضوعات تفاوت میکند بعضی چیزها نسبت بعضی اشخاص لو کس است و نسبت به بعضی ها لو کس نیست انومیلی که از شصده تومان بالا باشد (بنده اصل انومیل را شاید لو کس بدانم)

لیکن محتاج الیه مملکت است از این جهت انومیلی که غالباً اجاره می کنند و تجار وارد میکنند و از این شهریان شهر یا از این جا بقم یا جای دیگر اجاره می دهند قیمتت بیش از شصده تومان نیست و اسباب رفاه حال مردم است لیکن انومیلی که قیمتش بیش از شصده تومان باشد اصولاً لو کس است (بنظر منی ندارد یک چیزی را که (بنظر من) لو کس است و وارد مملکت بکنیم و منافع دولت و ملت را هم خمه نمایم گمرک هم نگیریم

بنابر این بعقیده بنده قسمت انومیل سواری که قیمت آن بیش از شصده تومان

بشینند و این قانون را لغو کنند بنده هم معارضه بپنل میکنم برای این که امروز پیش نهاد میکنند ده سال آنوقت اگر تا پنج سال دولت دید صدمه ای دارد پیش نهاد میکنند که این قانون را لغو کنند دلیل ندارد که حتماً پنج سال باشد و بعد از پنج سال تجدید نماید.

بنده بر این موافقم همانطور که بنده پیشنهاد شده رأی بگیریم

آقای آقا میرزا شهاب آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمائید (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای سالار اشکر (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم فقط بارکش فرد تا پنج سال معاف باشد.

سالار اشکر - بنده در اینجا فقط مقصودم بارکش فرد نیست بارکش های کوچک در حدود دو یا زده اسب است و اساس مسئله این است که ما خیال میکنیم از یک عوارضی که معاف میکنم فوراً در مملکت یک رفاهی برای مردم تولید میشود در صورتیکه الا همین وسائل نقلیه قلی که در ایران هست از قبیل شتر و قاطر و غیر اینها را تجربه کرده ام که چندان فرقی نیستند مثلاً در سوانی که گرانی است و جو خوراری بیست تومان و گریه بندی میکنند فرضاً به خریداری دو تومان پاشه تومان بعد هم که جو و کندم ارزان می شود با همان میزان را میگیرند.

الان قبل از این فصلی یعنی چند سال قبل گریه از اینجا بهمان خابیدی تومان بود بعد از اینکه کندم و جو کران شد فوراً گریه را بالا بردند حالا هم که اوران شده با همان حال را دارند.

پس این معاف کردن از عوارض گران نکند که سبب رفاه عامه می شود و از اینجا تا فرود گریه های کوچک متمددی که فوراً گریه را ارزان می کنند یا مال التجاره ارزان می شود اینجا به تصور می کنید خیالاتست عملاً دیده ایم اینجا در موارد اشخاص متفاوت است.

یک انومیل ممکن است از اینجا تا فرود تو سیصد تومان بگیرد و فلان آدم را ببرد از یکی دیگر ممکن است پنجاه تومان بگیرد.

اینجا یک چیزهایی نیست که بگوئیم فوراً در مقابل یک ضرورتیکه بدولت می ریزیم اسباب رفاه مردم فراهم میشود.

خبر یکی کار این گریه ها بدست دلال است و بسته به آن شخص مسافر است اگر یک شخصی بود ناشی و نادان ممکن است از پانصد تومان از اینجا تا فرود تورا بدهد و اگر بالمعکس یک شخصی بود دانا و و چانه هم بزنند و گنگو بکنند ممکن است پنجاه تومان هم کمتر بدهد.

پس عجباً یک هم جو ضروری زدن به عوائل گمرکی که پنجاه دارد و این فقط از

روزی یک خیالی است.

حالا آنچه که بنده پیشنهاد کردم راجع بارکش کوچک است چون بارکش هائی که از ده سرور یا کمتر مثلا شش هفت خورار بار می برند (در مملکت ما هیچ چیز باین زودی عملی نیست) در زمستان در این راههای بدما ابتدا نمیتوانند باین آسانی عبور کنند و در این راه های پر گل بارکشهای بزرگ در کرده هم میمانند لهذا غیر عملی است و قیمت آنها هم از پنجاه تا تومان الی ده هزار تومان است.

تفاوت هر کسی که استطاعت دارد کردن آنها را داشته باشد استطاعت دادن سیصد تومان یا چهار صد تومان حقوق گمرک را هم خواهد داشت ولی البته انومیل های مختلف در اینجا هست از قبیل انومیل فرد و سیپروتن که مثل فرد یک خورار حمل میکند.

از زوری تجربه و اطلاعاتیکه در سنوات اخیر راجع با انومیل رانی حاصل کرده ایم در فصل بهار و تابستان خوب است ولی در زمستان باین انومیل های کوچک بهتر می توانند عبور کنند و ممکن است اگر انومیل های فرد سیصد روپن در مملکت وارد کنند که پانزده ده الی پانزده اسب بار حمل می کنند.

یک معترض فرقی راجع به رفت و آمد میکند اینهم اگر چه یک اندازه جزئی خواهد بود ولی چون احساسات یکدمه از آقایان نمانند کان این است که پنج سال معاف بشود تصور میکنند که فایده های فوق العاده دارد باین جهت پیشنهاد کردم این انومیل های کوچک را معاف بمانند و این بدیهی است اگر خوب شد مملکت سایرین را هم معاف کنیم و اگر خوب نشد پس از پنج سال لغو شود مخبر بنده اولاً دفعه اولی است که می شوم بارکش فرد یعنی بارکش کوچک و حضرت و اولاً پیشنهاد کرده اند بارکش فرد و میفرمایند مقصودم اینست که لایه بارکش های کوچک ...

سالار اشکر - این را اشتباه کردم پیشنهادم را عرض می کنم

مخبر - و ثانیاً اینکه وقتی در موضوع نوافل صحبت می کردیم و مانیات نوافل انومیلها بنا بود کم بشود هیچ نفرمودند و حالا وقتیکه راجع به بارکشهای تجارنی صحبت می شود که ایشان بنده هم در آن پیچیده ذینفع نیستیم ولی از نقطه نظر عموم فایده دارد ایشان مسئله عایدات گمرک را در نظر می گیرند

اولاً باید دانست که این بسته باین است که جنس زیاد بیاید و جنس وقتی زیاد می آید ارزش زیاد گمرک نگیریم امروز این انومیلها و بارکشها فوق العاده در این مملکت وارد میشوند و عایدات زیادند از ده پانصد زیاد خواهد شد و مسئله کامیونها را که مثال زدند میگوید آنها ببرد مردم نمی خورد و اسباب زحمت میشود و نباید

دوره پنجم

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

صفحه ۷۲۴

دوره پنجم

آنها نمیکند. بملاوه اینکه دیگر هم هستند آن این است که صرف نظر از اینکه يك هوادار و اما از كمرك كسر ميكنيم بلكه خرجي هم از برای اينكه اولاً وزارت مالى مجبور ميشود يك يتهامى مخصوصى تهيه نمايد كه بوسيله آنها بتواند اين راهار را مرتب نمايد زيرا آن ماشينهاى كه وارد سرحد ميشود تمام بسته است و بايد تقسيم شود و محصولات بيست منى بيست و پنج منى درست كنند كه الاغ و قاطر بتواند حمل كند و اين تولى زحمت ميكنند آنوقت هم يك دست چاروادار جلويك دست قهق و بالاخره ميباستى مأمورين زيادى تهيه شود. براى اينكه بهر بارى يك مخصوصى بزند و اين مشكل است بملاوه بنده تصور ميكنم اساساً اين ماده كه وسايط نقليه و معمول آنها و غيره از باج راه معاف باشند هيچ اثرى هم در عمل نميكنند. براى اينكه آن كسى كه حمل ميكند كرايه ميگيرد و اين معافيت باج راه هيچ تاثيرى در آن كرايه نخواهد كرد. اين بود هرايش بنده ديگر بسته است بنظر آقاىان.

مغبر - با اينكه بنده همچو احساس ميكنم كه اين ماده رد خواهد شد معذانه تنها از نقطه نظر مغبرى كسيون بلكه بواسطه عقیده كه شخصاً دارم و فوق العاده مهم است هرايشى عرض ميكنم آقاىان خيلى سخت و سرد ميفرمايند كه يك قانونى است اهميت ندارد بلكه در ضمن صحبت گفته ميشود خيال موهوم و براى استقبال از تمدن و غيره اين كار را ميكنيم.

بنده عرض ميكنم آيا اين خيال موهوم نيست آقا ما ميخواهيم اين مملكت آباد شرداين؟ وقتى كه بخواهيم مملكت مان آباد شود بايد وسايل را فراهم كنيم يا نه؟

آيا راه فراهم آوردن وسايل چيست؟ بايستى بكارهاى كه ساير ممالك كس كردند نگاه كنيم و به بنيم كه آنها چه كردند وقتى كه زاپوني ها خواستند مملكتشان را از حيث اوضاع اقتصادى آباد كنند و تمدن اقتصادى شان را خواستند تغيير بندهند چه تشويقانى كردند چه تسهيلاتى كردند چه طريق ماشينها را ممانيت دادند و چه قدر پول دستى بمردم دادند كه ماشين وارد كنند و بالاخره با اين ترتيب تهيير دادند.

ولى امروز كه ما ميخواهيم شروع كنيم بيلك كارى اولاً با يك سردى داخل ميشويم و بملاوه گفته ميشود بيك خيال موهوم پس از اين قرار معلوم ميشود كه واقعا ما معتقد هستيم كه تمام اينها حرف است و بايد اين مملكت به عين حال باقى بماند. از طرف ديگر سابقى كه صحبت مى شده

بشتر هميشه يك مدرم و منوع باج راه اظهار مخالفت ميكنند كه چرا بايد باج راه بگيرند و حالاً آن باج را در مورد بهترين مال التجاره كه وارد مملكت ميشود ميخواهند تصديق كنند كه بايد گرفت دليلش راهم ميفرمايند كه اگر در اين جا ذكر كنيم قانونى ميشود عرض ميكنم اولاً چيزى كه قانون برایش نوشته شده هر قدر هم بطور صريح ذكر شود قانونى نخواهد شد بملاوه در ضمن بوجه آقاىان راى دادند. براينكه جزء عايدات مملكتى باشد امروز اگر بگويند گرفته نشود آنوقت قانونى خواهد شد.

از طرفى عرض ميكنم خود آقاىان غالباً ميفرمانند كه اين باج راه كمركشكن است حالاً آيا باج راههاى كه ميگيرند زياد است يا از نقطه نظر عايدات اگر ما بخواهيم آنها را حذف كنيم خيلى لطمه بعايدات وارد ميشود كار ندارم ولى عرض ميكنم حالاً يك مال التجاره كه تصديق هم آقاىان بهترين مال التجارهها است كه وارد مملكت ميشود يك مالىباني ميگيرند از اين جهت بنده نمنا ميكنم بكمركى دقت كنيد چون ممكن است حواس آقاىان جمع نباشد و يك ماده رد بشود و البته معلوم است كه كسيون هم هلاقه خاصى غير از هلاقه كه ساير آقاىان دارند نداشته است يك قانونى را كسيون بيشتهاد کرده است.

مغبر كسيون هم طبعاً يك نظر خصوصى ندارد كه اگر فلان ماده قبول بشود يك تفاوتهاى بزرگى در زنده گاني او خواهد شداگر در شديك تفاوتهاى ديگرى خواهد داشت اگر هم دفاع ميشود از نقطه نظر اين است كه آن نظرياتى كه در كسيون گفته شده كاملاً هلاقه شده و حلاجى شده و بمرض آقاىان ميرسد و البته آقاىان هم بايد مطالعه كنند ملاحظه كنند آنوقت اگر صلاح دانستند راى مى دهند و الا راى نميدهند. رئيس - راى ميگيريم بقابل توجه بودن بيشتهاد.

آيا راه فراهم آوردن وسايل چيست؟ بايستى بكارهاى كه ساير ممالك كس كردند نگاه كنيم و به بنيم كه آنها چه كردند وقتى كه زاپوني ها خواستند مملكتشان را از حيث اوضاع اقتصادى آباد كنند و تمدن اقتصادى شان را خواستند تغيير بندهند چه تشويقانى كردند چه تسهيلاتى كردند چه طريق ماشينها را ممانيت دادند و چه قدر پول دستى بمردم دادند كه ماشين وارد كنند و بالاخره با اين ترتيب تهيير دادند.

ولى امروز كه ما ميخواهيم شروع كنيم بيلك كارى اولاً با يك سردى داخل ميشويم و بملاوه گفته ميشود بيك خيال موهوم پس از اين قرار معلوم ميشود كه واقعا ما معتقد هستيم كه تمام اينها حرف است و بايد اين مملكت به عين حال باقى بماند. از طرف ديگر سابقى كه صحبت مى شده

مواضع راه حاضر هستند كه الفاه شود ليكن جماعتى كه اين عقیده را دارند همه هستند كه معتقدند راجع بنواقل نبايد لتو شود چون هر دو جزه را وارد آن كسيكه عقیده ما اين است باج راه بايد اسقاط شود ليكن نواقل نبايد اسقاط شود حال متنتع را بايد امكان و شايد رد شود از اين جهت بنده بيشتهاد ميكنم كه نسبت بماليات بلدى هليجده راى گرفته شود باج راه هم عليه مدعى گرفته شود تا اينكه متنتع در بين پيدا نشود كه شايد در ضمن يكي قبول بشود و ديگرى رد بشود.

رئيس - خوب اين راجع بموقع راى گرفتن است فقط بيشتهادى كه مانده است مال آقاى آقا ميرزا شهاب است يك نفر از نمايندگان خودشان حاضر نيستند.

احقر - بفرمائيد قرائت كنند (به ضمون آن خوانده شد) ميرزا شهاب بيشتهاد ميكنند در ماده سه اضافه شود براى مدتى كه در ماده اول دوم ذكر شده است.

مشارعظم - بنده اين بيشتهاد را قبول نميكنم. رئيس - بفرمائيد. مشارعظم - چون در اين ماده مدت ذكر شده است و معلوم نيست اين معافيت براى چند سال است اين است كه بيشتهاد شده است كه معلوم شود اين هم تا ده سال است.

رئيس - آقاىان كه اين بيشتهاد را قابل توجه ميدانند قيام فرمائيد. (عده قلابى قيام نمودند) رئيس - قابل توجه شد (خطاب مغبر) ادوات فلاحى هم بايد اضافه شود. مغبر - بلى. رئيس - قبل ماده قرائت ميشود بنده تجزيه ميكنم. (بشرح ذيل قرائت شد) ماده - وسائط نقليه كه محمول آنها فقط ماشينها و ادوات فلاحى و قطعات آن يا ماشين صنعتى و قطعات آن باشد از تأديه باج راه و ماليات نواقل معاف خواهند بود ولى صاحبان آن بايد وره ممانيت كه وزارت مالى ترتيب ميدهد در دست داشته باشند.

رئيس - راى گرفته ميشود با اين ماده بترتيبى كه تجزيه ميشود از اول ماده (تا از تأديه باج راه معاف خواهند بود ولى صاحبان آنالى آخر ماده) آقاىان كه اين قسمت را تصويب ميكنند قيام فرمائيد. (عده كثيرى قيام نمودند) رئيس - تصويب شد. بقسمت دوم راى ميگيريم (وسائط نقليه كه محمولات آنها ماشينها و اشياى است كه در اين ماده

مذكور است از ماليات نواقل معاف خواهند بود ولى صاحبان آنالى آخر) آقاىان كه اين قسمت دوم را تصويب ميكنند قيام فرمائيد. (عده قلابى قيام نمودند) رئيس - تصويب نشد. تبصره كه بنده از ماده اول بود و ماده چهارم مى شود مطرح است (ماده مزبور بشرح سابق قرائت شد) رئيس - آقاى آقا سيد يعقوب (اجازه) آقا سيد يعقوب - بنده موافقم رئيس - مخالفتى ندارد؟ (گفته شد خير) رئيس - راى گرفته ميشود با اين ماده آقاىان كه تصويب ميكنند قيام فرمائيد. (عده كثيرى قيام نمودند) رئيس - تصويب شد. ماده پنجم. (ب شرح ذيل قرائت شد) ماده - وزارت مالى مأمور اجرائى اين قانون است. رئيس - مخالفتى ندارد؟ آقاىان كه تصويب ميكنند قيام فرمائيد. (جمع كثيرى برخاستند) رئيس - تصويب شد. آقاى تدئين (اجازه) تدئين - بنده براى اينكه ترغيب اشياء از خودم بشود عرض ميكنم اين ماده پنج كه راى گرفته شد موردش حالاً نيست براى اين كه دازد وزارت مالى مأمور اجرائى اين قانون است. كدام قانون؟ يك ماده اش كه ارجاع بكمسيون شده است و بقرعه بنده سابقه هم ندارد براى اينكه سابقه مجلسى اين بود كه وقتى قانون تصويب ميشود در آخر نسبت بماده كه راجع اجرائى قانون بود راى ميگرفتند اين اشكال بنظر بنده رسيد است.

رئيس - در هر صورت يك قانونى خواهد گذشت يا فقط وزارت مالى مأمور اجرائش خواهد بود. در اين صورت هيچ طور با اين ماده كه راى داده شده صحيح است اگر هم يك وزارتخانه ديگرى باشد اضافه شود آن وقت ضميمه ميكنيم. جمعى از نمايندگان - صحيح است. رئيس - چند فقره خبر كسيون مرخصى رسيد است بايد قرائت شود و راى ميگيريم. (ب شرح ذيل قرائت شد) آقاى شريفتمدار دامغانى نماينده محترم بر طبق تلگرافى كه از ايشان واصل شده اشماع داشته اند كه چون ميتلا بر سر بسترى هفتم بيست روز بمرمت اجازه قديمى را بر خلاف حقانيت ديده تصويب نشود

ايشان افزوده شود. كميون نظر بمداركى كه براى صحت اظهار ايشان داشت عذر ايشان را مرجه دانسته تقاضاى ايشان را تصويب مى نمايد كه از تاريخ ۱۳ برج جارى غائب با اجازه باشند. رئيس - آقاىان كه مناد ۰۰۰۰ آقا سيد يعقوب - اصلاح عبارتى داشت زيرا موجه را متوجه خواندند. رئيس - بعبارت راى نيگيريم راى ميگيريم بتقاضاى مرخصى آقاى شريفتمدار دامغانى آقاىانى كه تصويب مى كنند قيام فرمائيد. (عده كثيرى قيام نمودند) تصويب شد. (راپورت ديگر به ضمون ذيل خوانده شد) آقاى ميرزا سليم خان ايزدى نماينده محترم بواسطه كسالت مزاج تقاضاى ۱۰ روز غيبت با اجازه از تاريخ ۴ جدى کرده اند كميون عذر ايشان را موجه دانسته تصويب مى نمايد. آقا ميرزا سليم خان ايزدى - بمرخصى چون موقعش منقضى شده است در داد ميكنم رئيس - راجع بمرخصى آقاى حاج ملك التجار (اين طور قرائت شد) آقاى حاج ملك التجار نماينده محترم بواسطه اين كه گرفتار مرض و مشغول معالجه هستند هفت روز از تاريخ ۱۳ جدى تقاضاى اجازه غيبت کرده اند كميون عذر موجه ايشان را بپذيرفته تصويب مى نمايد. رئيس - آقاىانى كه تقاضاى مرخصى آقاى ملك التجار را تصويب مى كنند قيام فرمائيد. (عده زيادى قيام نمودند) رئيس - تصويب شد راجع بمرخصى آقاى شيخ المراقين زاده (با اين مضمون قرائت شد) آقاى شيخ المراقين زاده نماينده محترم تقاضاى يك هفته مرخصى از تاريخ ۷ جدى کرده اند كميون تصويب مى نمايد كه نماينده با اجازه نوشته شوند. رئيس - آقاىانى كه مرخصى هفت روزه آقاى شيخ المراقين زاده را تصويب ميكنند قيام فرمائيد. (عده زيادى قيام نمودند) رئيس - تصويب شد. (خبر ديگر راجع باقاى مصباح السلطنه بترتيب ذيل خوانده شد) آقاى مصباح السلطنه نماينده محترم از سيستان تلگرافاً تقاضاى يكجا ديگر غيبت با اجازه کرده اند كميون چون پذيرفتن اين تقاضا را بر خلاف حقانيت ديده تصويب نشود

رئيس - آقاى تدئين (اجازه) تدئين - بنده تصور مى كنم كميون دقت كاملى در تلگرافى كه آقاى مصباح السلطنه به مجلس عرض کرده اند نفرموده اند. آقاى مصباح السلطنه در تلگرافى كه از سيستان عرض کرده اند اظهار داشته اند بواسطه بيازندگى زيادى كه شده است قسمت اعظم راه سيستان و بيرجند خراب شده است و مانع آمدن ايشان شده و بنده شخصاً تلگراف را تقديم مقام رياست كردم و البته همان روز بكمسيون عرايش فرستاده شده است. بنده تصور ميكنم اگر اين پيش آمده مانع نيبود آقاى مصباح السلطنه هذرفير موجهى را اظهار نمى كردند. رئيس - راى مى گيريم بمشاد راپورت كميون را كه مبتنى بر رد مرخصى آقاى مصباح السلطنه تصويب مى كنند قيام فرمائيد. (عده قلابى قيام نمودند) رئيس - رد شد. يكفتر از نمايندگان - بمرخصى راى گرفته شود. رئيس - راپورت كه رد شد تهرأ مرخصى تصويب ميشود. خبر كميون راجع به آقا ميرزا بدالله خان (ب شرح ذيل خوانده شد) آقاى ميرزا بدالله خان نماينده محترم بجهت سرپرستى صغار موسى خود تقاضاى بيست روز غيبت با استفاده از حقوق کرده اند كميون تقاضاى ايشان را موقوف دانسته و تصويب مى نمايد كه از تاريخ ۱۳ جدى تا مدت ۲۰ روز نماينده با اجازه نوشته شود. رئيس - آقاىانى كه مرخصى بيست روزه آقاى بدالله خان را تصويب مى كنند قيام فرمائيد. (عده كثيرى قيام نمودند) رئيس - تصويب شد بوجوب راى كه داده شده است دستور فرما فرار داد يستى و تلگرافى ياد دولت رسيد خواهد بود آقاى روحى بيشتهاد کرده اند كه قانون سجل احوال و قانون انجمن هاى بلدى مطرح شود. بعضى از نمايندگان - صحيح است. رئيس - بيشتهاد آقاى روحى قرائت ميكنند قيام فرمائيد. (ب شرح ذيل قرائت شد) بنده بيشتهاد ميكنم كه قانون سجل احوال و قانون انجمن هاى بلدى در جلسات آتية جزو دستور شود. رئيس - كدام جلسات روحى - عرض مى كنم كه بيمه از قانون يستى بنده تقاضاى كميون قانون انجمن بلدى و سجل احوال باشد.

رئيس - پس خلا موقعش نيست روحى - در درجه دوم قرار بدهيد. رئيس - بعد از فرار داد يستى و تلگرافى آقاى ياسائى (اجازه) ياسائى - راپورت كميون مالىه راجع ۰۰۰۰. رئيس - راجع بباين قضيه اول تكليف را معلوم كنيد. ياسائى - بنده بيشتهاد عليه عدم دارم در موقعش اجازه بفرمائيد عرض كنم. رئيس - نسبت باين بيشتهاد مخالفتى هست؟ آقا سيد يعقوب - بنده مخالفم و تقاضا مى كنم فراد قبل از قرارداد يستى و تلگرافى اولاً قانون راجع بسجل احوال مطرح شود. بعد از آن و مقادير كه لايمه اوزان و مقادير ۰ كه سابقاً عرض كردم ۰ مدتى است در مجلس مانده شور اولش تمام شده شور دومش هم شايد در يك جلسه تمام شود راپورتش داده شده لذا بنده تقاضا مى كنم در درجه چهارم جزو دستور شود. رئيس - راى مى گيريم بيشتهاد آقاى وكيل الملك كه لايمه اوزان و مقادير تصويب مى كنند قيام فرمائيد. (عده زيادى قيام نمودند) رئيس - تصويب شد. آقاى حاج ميرزا عبدالوهاب (اجازه) حاج ميرزا عبدالوهاب - بنده خواسته عرض كنم كه بوزير مالى بفرمائيد براى جواب سؤال بنده كه مدتى است از ايشان گرفته ام حاضر شوند. رئيس - آقاى داور. داور - عرضى ندارم. رئيس - آقاى آقا سيد يعقوب. رئيس - آقاى نصرت الدوله. نصرت الدوله - راجع بر قرارداد يستى و تلگرافى بود كه تصويب شد. رئيس - آقاى سر كشيك زاده. سر كشيك زاده - عرضى ندارم. رئيس - آقاى تدئين. تدئين - بنده هم عرضى ندارم. رئيس - آقاى اشكر. اشكر - بنده بيشتهادى كنم جلسه شتم شود. رئيس - ۰ خطاب بنمايندگان ۰ بيشتهاد ايشان را قبول مى فرمائيد؟ بعضى از نمايندگان - صحيح است. مجلس بيست دقيقه بعد از ظهر ختم شده رئيس مجلس شوراى ملي منشى - هلى اقبال الملك منشى - معظمه السلطان

در مذاكره آن بشويم رئيس - راى مى گيريم به بيشتهاد آقاى ياسائى كه ماليات تصاعدى در درجه سوم مطرح باشد آقاىان موافقت قسيام فرمائيد. ۰ عده زيادى برخاستند ۰ رئيس - تصويب شد. آقاى وكيل الملك (اجازه) مجلس اينطور شده است كه وقتى دستور معين مى كنند و در درجه اول و دوم سوم و بيلا معين مى كنند و درجات آن محفوظ مى ماند بنده هم تقاضا مى كنم موضوع اوزان و مقادير ۰ كه سابقاً عرض كردم ۰ مدتى است در مجلس مانده شور اولش تمام شده شور دومش هم شايد در يك جلسه تمام شود راپورتش داده شده لذا بنده تقاضا مى كنم در درجه چهارم جزو دستور شود. رئيس - راى مى گيريم بيشتهاد آقاى وكيل الملك كه لايمه اوزان و مقادير تصويب مى كنند قيام فرمائيد. (عده زيادى قيام نمودند) رئيس - تصويب شد. آقاى حاج ميرزا عبدالوهاب (اجازه) حاج ميرزا عبدالوهاب - بنده خواسته عرض كنم كه بوزير مالى بفرمائيد براى جواب سؤال بنده كه مدتى است از ايشان گرفته ام حاضر شوند. رئيس - آقاى داور. داور - عرضى ندارم. رئيس - آقاى آقا سيد يعقوب. رئيس - آقاى نصرت الدوله. نصرت الدوله - راجع بر قرارداد يستى و تلگرافى بود كه تصويب شد. رئيس - آقاى سر كشيك زاده. سر كشيك زاده - عرضى ندارم. رئيس - آقاى تدئين. تدئين - بنده هم عرضى ندارم. رئيس - آقاى اشكر. اشكر - بنده بيشتهادى كنم جلسه شتم شود. رئيس - ۰ خطاب بنمايندگان ۰ بيشتهاد ايشان را قبول مى فرمائيد؟ بعضى از نمايندگان - صحيح است. مجلس بيست دقيقه بعد از ظهر ختم شده رئيس مجلس شوراى ملي منشى - هلى اقبال الملك منشى - معظمه السلطان

حالا سایر اعضاء خانواده تاجه اندازه نسبت برایشان قیمت داشته باشند آن امریست که حالا میخواهم عرض کنم ولی يك وقت هست که هر قسمت از این خانواده مطابق رأی و میل خودشان يك سبیل احوال برای خودشان انتخاب میکنند و این جا آن رئیس خانواده یعنی آن پیرمردی که آقایان قائلند رئیس خانواده است او را مسؤول قرار داده اند

در صورتیکه حالا بنده نمی بینم پیر مردها را آنطور که سابقاً معمول بود جوانها متابعت کنند فرضاً آن پیرمرد آمد و يك اسمی برای خانواده خودش انتخاب کرد آن وقت پسرش یا برادر کوچکش همچو مقضی میداند که يك اسم دیگر برای خودش در نظر بگیرد و اگر اینطور شده چه باید کرد؟ اولی ملتی هست؟

دومی ملتی هست؟ تکلیف اینها چیست؟ در هر صورت خانواده یعنی چه؟ یعنی يك زن و يك شوهر و يك خواهر و يك برادر؟

باخبريك طایفه که يك بزرگتر داشته باشد او رئیس خانواده است ولو چندین خانواده باشند و آن بزرگتر مسؤول گرفتن سبیل احوال برای تمام این طایفه است؟

خوبست توضیح بدهند که اسباب زحمت نشود.

مخبر - رئیس خانواده را حضرت عالی هر کس را میخواهد بخواهید همان طور که عرض کردم رئیس خانواده بزرگتر خانواده است و راجع به بین اسم هم فرضاً يك رئیس خانواده آمد يك اسم را انتخاب کرد برادرش آن اسم را قبول نکرد برای خانواده خودش انتخاب کرد شری بجائی وارد نمیشود.

در صورتیکه معمولاً در موقع انتخاب اسم خانوادگی رئیس خانواده برادر هو دانی و غیره را اطلاع میدهند و آنها که جمع شدند يك اسمی را انتخاب میکنند فرضاً هم که قبول نکردند فلان رئیس خانواده يك اسم را انتخاب میکنند و آن دیگری را اشکال ندارد.

(بعضی از نمایندگان - مذاکرات کفای است)

رئیس - ماده پنج (اینطور قرائت شد)

ماده پنجم - القاب همیشه در ورقه هويت بعد از اسم شخص ذکر خواهد شد و نامور سبیل احوال باید سند لقب را مایه نماید ..

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

ضیاء الواعظین - عرضی ندارم

آقا شیخ محمد علی طهرانی - مرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مرضی ندارم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده در هر ماده که اجازه میخواهم میگویند مذاکرات کفای است ولی چون شور اول است بنده اهمیت نمی دهم.

در این ماده چون اصولاً من با القاب مخالف هستم این ماده را زائد میدانم و اگر این ماده را ماصوب کنیم القاب را تثبیت کرده ایم و باید در موقع شور دانی دلائل خود را عرض کنیم

مخبر - بنده با آقای تدین کاملاً عقیده هستم و با القاب هم مخالف این ماده برای این است که القابیکه فعلاً هست لاقبل صحیح باشد.

نه اینکه هر کس بیايد فرضاً فقام - السلطان - فقام التجار - فقام المالك یا فلان لقب را برای خودش در خارج درست نماید ..

مقصود این است این القاب که فرمان ندارند از بین برود و فلان القابیکه صحیح است باقی بماند والا اعضاء که بیرون هم تماماً با حضرت عالی موافقت

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده هم با القاب مخالفم **بعضی از نمایندگان** - مذاکرات کفای است

رئیس - ماده ششم قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد)

ماده ششم - نامورین سبیل احوال بر طبق اوراق اظهارنامه برای هر فرد يك ورقه هويت صادر نموده اظهارنامهها بر ترتیب حروف نهجی اسامی خانوادگی در دفتر یاد داشت ثبت نموده سپس برای حکومت ارسال مینمایند نمونه نمره ۲

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده هم در يك لایحه قانونی مورد ندارد که ما مواد نظامنامه و بنویسیم که مثلاً اسامی خانوادگی را جلو بنویسند یا اسامی اشخاص را یا نامور سبیل احوال چه طور دفتر مرتب کنند.

بفقیه بنده این قسمتها در اینجا اند است و علاوه این ماده هم است برای این که میگوید اوراق اظهارنامه و سبیل احوال را وقتی که تمام کردند باید تسلیم حکومت کنند.

چطور تسلیم حکومت بکنند اوراق سبیل احوال يك جریان و سوابقی در نظر ما داشته است.

البته هر کس سبیل احوال بگیرد يك نام خواهد گي هم برای خودش مینویسند و این اوراق هويت باید در دست خودشان باشد

ولی این ماده میگوید اوراق را باید تسلیم حکومت کنند و بنده اساساً با این ماده مخالفم

مخبر - نماینده محترم در این قسمت دو اشتباه فرمودند:

اعتراض اولشان راجع بماده پنج بود که اسم را مقدم بنویسند یا القاب را راجع بقسمت دیگر هم که فرمودند ورقه سبیل احوال را برای حکومت میفرستند اینطور نیست.

ورقه سبیل را میفرستند آن دفتری که اسامی خانوادگی را ثبت میکنند برای حکومت میفرستند و البته ورقه سبیل احوال ضبط میشود و ورقه هويت هم بکسیکه ورقه سبیل احوال را داده است داده میشود

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده عقیده ندارم که دفتر را بدار الحکومه بفرستند چون اداره سبیل احوال يك اداره است که باید همه روزها ایجاد و نام را ثبت نماید یعنی يكی میبرد و یکی بدینا میآید همه را باید ثبت کند

بنابراین باید سوادى از برای حکومت بفرستند که حکومت از همه موجودین و مفقودین اطلاع پیدا کند نه اینکه تمام دفتر را بفرستند آنجا شاید ادار الحکومه آتش گرفت آنوقت مجدداً یک دفتر سبیل احوال دیگری مینمکنند و شروع کنند

مخبر - اگر مواد بعداً مراجعه بفرمائید در آن مواد کاملاً تکلیف اوراق سبیل احوال مین شده است که هر سال باستی دفتری با مضای اشخاص مین برای تمام نقاط فرستاده شود و در جای مین یاد حکومت مضبوط باشد و البته نمیشود در هر نقطه يك ارشيو مفصلی برای اینکار مین کرد در هر سال که دفتر تمام میشود البته ضبط دفتر را کد خواهد شد و اگر هم این ترتیب را مناسب میدانید ممکن است جای دیگری را پیشنهاد کنید شاید کمیسیون هم موافق باشد.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین

تدین - موافقم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - موافقم

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود

(پیشنهاد آقای تقی زاده بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بجای لفظ سبیل احوال عبارت اسم و رسم در تمام مواد قانون گذاشته شود

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم بجای کلمه حکومت اداره سبیل احوال نوشته شود

رئیس - ماده هفتم (باین ترتیب خوانده شد)

ماده هفتم پس از انشاء سال که تمام سکنه هر حوزه ورقه هويت گرفته اند حکومت خلاصه تمام اظهارنامه های سکنه حوزه حکومتی خود را بر ترتیب سنوات ولادت در ورقه سبیل احوال و لایبى ثبت میکنند نمونه نمره ۳

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

ضیاء الواعظین - مرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - چنانچه در این قانون دارد که شرحی نوشته و بعد میفرستند نمونه يك دوره و سه اصولاً بنده با آقای ضیاء الواعظین موافق هستم و این مواد را زائد میدانم

مجلس باید اجازه بدهد بدولت که يك احصائيه صحیحی برای این مملکت تنظیم نماید دیگر این که مایبایم این نظامنامهها را از مجلس بگذرانیم که مثلاً دفترش چه شکل باشد یا نمونه اوراقی که میدهد چه طور باشد این اسباب تشعب وقت مجلس است و مثل این است که مایبایم این نظامنامه داخلی تشکیلات نظمی را بگذرانیم و بگویم مثلاً آزان را بعد از یکسال نمره فلان بدینها بگذار دوسال رتبه اش را بالا ببریم بعقیده بنده اینها جزو نظامات داخلی است و اصلاً اینجا لزومی ندارد ذکر کنیم و بهتر این بود يك ماده کلی پیشنهاد میکردند که وقت مجلس هم زیاد صرف نشود ولی حالا که این مواد را پیشنهاد کرده اند خوب بود بطور کامل پیشنهاد میکردند زیرا در صورتیکه بنا است نظامنامه هم از مجلس بگذرد باید يك نظامنامه ناقص نباشد

مخبر - نمونه هائی که نوشته شده است اصلش در کمیسیون هست و ممکن است آقای ملاحظه فرمایند و چون يك ورقه های بزرگی بود از اینجا جهت چاپ کردنش حالا بیرون بود

در آن اوراق اسم خانوادگی و اولاد و محل سکني و سن و شغل و اینطور چیزها را می نویسد و اما نسبت به نظامنامه که

فرمودید بطور کلی يك ماده بنویسند و بدولت اختیار بدهند اگر این اصل کلی را قائل میشدیم آنوقت باید در قانون انتصابات هم تمام مواد را بگذرانیم کنار و بگویم دولت يك كولانی انتخاب بکنند و بگویم بفرستند بمر ترتیبی هم که باشعيب ندارد و حال اینکه بنده در همان نظامنامه هائی هم که در قانون اجازه داده میشود عقیده ام این است که باید آنها هم در اینجا تصویب شود

زیرا اغلب خرابیهاى که واقع میشود در اثر همان نظامنامه است

نظامنامه تجدید تریاک را ملاحظه بفرمائید ببینید چه اشکالاتی برای مردم تولید می کند و باین ترتیب بنده گمان میکنم این قسمت ها لازم است در هر قانون نوشته شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کفای است

رئیس - ماده هشتم (باین عبارت قرائت شد)

ماده هشتم - فوت و ازدواج و طلاق اشخاصی که ورقه هويت گرفته اند پس از فصول راپرت مأمور سبیل احوال در دفتر سبیل احوال و لایبى در مقابل اسم شخصی در ستون مخصوص ثبت میشود

رئیس - آقای ضیاء الواعظین

ضیاء الواعظین - مرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی

آقا شیخ محمد علی طهرانی - مرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده تصور میکنم که این ماده در مورد فوت يك نقضی دارد زیرا اطلاع دادن بدوازه سبیل احوال راجع بفوت يك تکلیفی است که باید مین شود بعقیده کی است و از این نقطه نظر ممکن است در مواردی که این قبیل اتفاقات افتد در تعیین شخص متوفی و این که مسؤولیت اطلاع ندادن متوجه کیست تولید اشکالاتی بشود.

این است که بنده معتقدم این ماده باید اصلاح شود

تا اینکه شخص مسؤول بعد از متوفی معلوم شود کیست

مخبر - در مورد بعد شخص مسؤول بعد از متوفی ذکر خواهد شد و اگر مراجعه بفرمائید در آنجا گفته است که چه اشخاصی باستی با اداره سبیل احوال و نامور آن اداره اطلاع بدهند در این ماده فقط وظیفه نامور سبیل احوال را مین کرده است که پس از آن که راپرت فوت یا ازدواج یا طلاق بمأمور سبیل احوال رسید باید در آن دفتری که راجع باین مسئله است ثبت

کند و ترتیب اینکه اگر کسی مرد چطور اطلاع بدهند بمأمور سبیل احوال در مواد بعد هست

رئیس - ماده نهم (اینطور خوانده شد)

ماده نهم - از این تاریخ کلیه رؤسای خانواده ها مکلفند ولادت ازدواج طلاق و فوت افراد خانواده خود را منتهی در ظرف ده روز بمأمور سبیل احوال محل اقامت خود یا شهادت دونه اطلاع دهند و نیز ازدواج کننده و طلاق دهنده مسؤولیت دارد که مراتب را بر رئیس خانواده خود اطلاع دهد.

رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده تصور میکنم علاوه بر اینکه این ماده يك اشکالاتی برای مردم فراهم میکند ما در این ادارات سبیل احوال هم نمیتواند کاملاً وفق بنجام خدمات خودشان بشوند

برای این که این ماده وظایفی را متوجه رؤسای خانواده ها میکند در حالتیکه آنها با تقدرها فرات ندارند که بتوانند باین قبیل امور رسیدگی کنند یا شاید حاضر نباشند

زیرا میگوید رؤسای خانواده ها باستی دقت کنند و در ظرف ده روز اگر کسی مرد یا متوله شد برونند با اداره سبیل احوال اطلاع بدهند

حالا اگر رئیس خانواده حاضر نبود آنوقت تکلیف چه خواهد بود تکلیف اداره سبیل احوال چیست؟

بعلاوه این ماده ناقص است برای اینکه بسیاری از جاها هست که اداره سبیل احوال نیست ممکن است در يك ایلی يك روز يك طفلی متولد شود یا کسی فوت نماید آنوقت این رئیس خانواده چه طور میتواند از شش فرسخی یا ده فرسخی با اداره سبیل احوال اطلاع بدهد

در حالتیکه مادر این قانون ادارات سبیل احوال و مفتشین بسیاری نائل شده ایم در اینصورت بعقیده بنده این ماده ناقص است و اشکالات زیادی هم برای مردم و هم برای اداره سبیل احوال تولید میکند

مخبر - اینکه آقا فرمودند از برای رئیس خانواده تولید زحمت میکند البته هر قانونی که وضع میشود زحماتی هم برای يك عدم فراهم میکند و اگر بخوایم زحمتی برای کسی قائل نشویم مستلزم این است که نه قانون و نه اداره و نه دفتر سبیل احوال داشته باشیم

ولی اگر بخوایم این قانون را مجری کنیم و ورقه هويت بدهیم و اظهارنامه بگیریم البته این قسمت ها بعقیده هر کس باشد يك زحمتی دارد و اگر شما تا این

اندازه از زحمت احتراز مینمائید پس خوب بود از اول در کلماتش مخالفت میکردید و در مواد بعد هم تکلیف این قسمت ها را مین کرده است که اگر رئیس خانواده نباشد بعقیده قائم مقام او است و راجع بايلات هم که فرمودید البته برای يك بزرگتری دارد و اینکار هم بعقیده او است و دیگر اینکه ایلات که در حرکت هستند اداره سبیل احوالشان هم در حرکت است و در هر کجائی که باشند اداره سبیل احوال هم همراهشان هست و تکلیف آنها هم همین است و اسباب نگرانی نیست

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - در احضار نامه هائی که در عدلیه هست یک هفته مدت مین

میکنند و مدعی علیه حاضر شود و اگر حاضر نشود او را غائب می نویسند و اگر در خارج باشد احضار نامه که برایش میفرستند برای هر فرسخ یک روز وقت مینمیکند ولی این جا بطور مطلق نوشته شده است در ظرف ده روز بمأمور سبیل احوال اقامت خود را با شهادت دونه اطلاع دهند

مایک قانونی که میگذرانیم بقدری از برای آن توسعه بنظرمان می آید که حد و سر ندارد

از این جا تا پشت کوه طهران ده فرسخ راه است و حوادث هم بقدری درین هست که حدی برایش تصور نمی شود آنوقت آن کسی که از ده فرسخی رشت فرسخی یا بیست یا ده طهران ورقه هويت بگیرد چطور میتواند در ظرف ده روز باین موافقی که برساند؟

پایبند که در مواند يك کسی یکى از بیستگانش فوت کرد این بیچاره چه طور میتواند در ظرف این مدت با اداره سبیل احوال اطلاع بدهد؟

زیرا این شخص تازه روز باید از آمدن خود مردم بپزیرائی کند

این دیگر چگونه میتواند در این مدت قبیل بیاید طهران و یکو بدین من مرد یا پسر مرد و در این عبارت که بطور مطلق ده روز مین کرده

يك فشار فوق العاده است بر مردم علاوه بر این در تبصره که ملاحظه می کنید نوشته است

اشخاصیکه در تحت قیمومیت هستند یا کسانی که کولی خاص ندارند مدعی العموم باید اطلاع بدهد

اینهم مدعی نیست

بجهت اینکه مدعی العموم باید متصل در رجائی بگردد و این اطفا یکه اطراف و اگر آنها میشدند به بینند این ها ولی خاص دارند یا ندارند و ثبت کند که اینها حاجاتشان

کجا است ممانتان کجا است

این مسئله دوریست زیرا این قسمت ها را وقتی میتوان تشخیص داد که سبیل احوال هويت تمام افراد را مین کرده باشد

آنوقت مدعی العموم این کار را بکنند والا بقول مطلق بچه هائی که ولی خاص ندارند مدعی العموم مسؤول هويت آن ها است

اینکه نمی شود

مدعی العموم کف دستش را که بو نکرده است!!

که بدانند این بچه هائی که هستند ولی خاص دارند یا ندارند و این طرز قانون نوشتن اسباب زحمت يك اداره خاصی مثل اداره مدعی العموم میشود

مخبر - اینکه آقا اظهار نگرانی می کنند از اینکه اگر یک فردی در يكی از دهات یا قصبه ها مرد یا بزرگتر است که در این مدت ده روز با اداره سبیل احوال اطلاع بدهند

این نگرانی ایشان انشاء الله در شور دوم مرتفع خواهد شد

زیرا معلوم میشود مواد بعد ملاحظه فرموده اند و در مواد بعد خواهند دید که حتی در قصبه ها و دهات هم مأمور سبیل احوال هست یعنی همان که خدائی که آنجا است يك دفتری دارد که هويت اشخاص را باید ثبت کنند خیلی هم آسان تر از این است که در طهران مثلا بعضی از اشخاص از ده روز فرورین بیایند با اداره بدهد اطلاع بدهند

و اما نسبت بقسمت دیگر کولی خاص و مدعی العموم باشد در کمیسیون هم چهار این اشکالات شدم که اشخاصی که بی بضاعت و بیانی هستند یعنی اطفالی که پدر و مادرشان معلوم نیست این را بچه و سبله میتوان احصائیه شان را مین کرد این بود که این کار را از وظائف مدعی العموم دانستند

و حالا اگر آقا يك تشخیص دیگری را برای انجام اینکار مناسب تر میدانند پیش نهاد کنند البته کمیسیون هم مخالفت نخواهد کرد

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده تصور میکنم که این ترتیب يك تکلیف مالایطافی برای رئیس خانواده زیرا باید مقدس طلاق فوت تولد تمام اینها را اداره سبیل احوال اطلاع بدهد و این رئیس خانواده را آنطور که بنده فرض کرده ام همچو قدرت و تسلطی ندارد مثلا اگر مرؤسین فرضی این رئیس فرض خواست رئیس خودشان اطلاع بدهند آن وقت تکلیف این رئیس فرضی چیست؟ به علاوه میخواهم عرض کنم که هیچ قانونی نمیتواند صدور ازدواج را محدود بکند